

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۵ (۲۰ آوریل ۱۹۸۶)
 بهار ۶۰ - سال سوم - شماره ۱۰۹

پاریس - تهران

"عادی شدن روابط به چه قیمت؟"

رسانه‌های فرانسوی پدیده‌های دیدار علیرضا معیری معاون نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی به تفسیر و تشریح نتایج آن پرداخته‌اند. معیری که در گذشته به مدت یکسال و نیم کاردار سفارت ایران در پاریس بود، در تهران به مقابله کارشناس امور فرانسه شناخته می‌شود. وی در سفر اخیر به پاریس با فرانسوا میتران رئیس جمهور، ژاک شیراک نخست وزیر، شایان دلماس رئیس مجلس، ریومن وزیر خارجه فرانسه و نیز بالورکانوگ دبیرکل یکی از احزاب راستگرای حاکم (حزب ژیسکاردستن رئیس جمهور سابق) ملاقات و مذاکره داشت.

به نوشته مطبوعات فرانسه، مقامات فرانسوی در مذاکرات، به معیری تفهیم کرده‌اند که حاضر نیستند در مناسبات خود با دولت عراق دگرگونی پدید آورند. روزنامه فیکارو در روز ۲۳ مه از قول ژاک شیراک نوشت که پاریس "به هیچ وجه" در نظر ندارد هیچ نوع تغییری در مناسباتش با بغداد ایجاد کند. مفسرین سیاسی، دیدار آتی طارق عزیز معاون رئیس جمهور عراق را از پاریس نشانه‌ای در همین

در فروردین ماه سال ۱۳۶۵ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای دعوت شده از سوی هیات سیاسی تشکیل گردید و در محیطم فکری و بررسی خلاق مسایل و وظایفی را که در دستور داشت پیروزمندانه به انجام رساند. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن نیروبخش فداییان خلق و همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در پیکار علیه رژیم پلید خمینی و امپریالیسم جهانخواار خواهد بود.

پلنوم با استماع گزارش هیات سیاسی که توسط رفیق فرخ نکهدار ایراد گردید کار خود را آغاز کرد. وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از: الف - بررسی گزارش هیات سیاسی و تصویب قرار انتشار آن.

- ۱- گزارش مختصر درباره اوضاع جهان و منطقه
- ۲- گزارش وضع کشور
- ۳- گزارش فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان در فاصله دو پلنوم
- ۴- گزارش در باره امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- ۵- گزارش کار کمیسیون‌های برنامه و اسانامه

پلنوم در این بخش از دستور کار خود وظایف سازمان در پیشبرد مبارزه انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه تحقق آماج‌های راهی بخش طبقه کارگر ایران را دقت بخشید و برای پیروزی‌های تازه راه گشود.

ب- بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱.

پلنوم اسناد ارائه شده در زمینه بررسی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار داد و پس از اصلاحات لازم به تصویب رساند. پلنوم با تصویب یک رشته ترمای مهم در زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و خط مشی سازمان در هر مقطع، در باره یکی از مهمترین دوره‌های فعالیت و حیات انقلابی سازمان (سال‌های ۱۳۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار انتشار آن را صادر کرد. پلنوم در این قضاوت خلل خود، فداییان خلق را به تسخیر آینده، به تجهیز هر چه بیشتر خود به مارکسیسم - لنینیسم و جستجوی راه‌های موثرتر تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فرا خواند.

بقیه در صفحه ۲

راستارزیابی می‌کنند. به گزارش رسانه‌های فرانسوی، حداکثر تقاضای معیری از دولت فرانسه در این زمینه "بیطرفی مثبت" بود. معیری در گفتگو با خبرنگاران "بیطرفی مثبت" را بدین معنی دانست که دولت فرانسه قرارداد تسلیحاتی تازه ای با عراق منعقد نکند. تلقی محافل دیپلماتیک از این سخنان این است که از نظر رژیم جمهوری اسلامی اجرای مفاد قرارداد تسلیحاتی متعدد در از مدت موجود میان فرانسه و عراق، نافی "بیطرفی مثبت" نیست. و دولت ایران آمادگی "نادیده گرفتن" صدور تسلیحات فرانسوی به عراق را دارد. انحصارات فرانسوی می‌توانند اطمینان داشته باشند که رژیم جمهوری اسلامی متافع آنان را در این زمینه نیز محترم می‌شناسد. اما در عین حال این رژیم اصرار دارد که برای اعمال فشار بر اپوزیسیون مرفقی ایرانی مقیم فرانسه اقدام عملی صورت گیرد و هم چنین می‌خواهد راه‌های حل و فصل اختلاف با "ارودیف" در زمینه

بقیه در صفحه ۲

شکاف در مناسبات تهران و دمشق

بخش‌هایی از مصاحبه اخیر حافظ اسد رئیس جمهور سوریه با خبرنگاران و نشریات آمریکائی واشنگتن پست و هارالد تریبون در روزنامه کیهان ۲۹ اردیبهشت درج گردید. حافظ اسد در این مصاحبه از جمله به پرسش‌هایی پیرامون مناسبات با رژیم جمهوری اسلامی و مسئله جنگ ایران و عراق و دیگر مسائلی که با کارکرد این رژیم در منطقه مربوط می‌شود، پاسخ گفت که روزنامه کیهان تنها چند سطر این بخش از مطالب را بازتاب داد.

رئیس جمهور سوریه در این مصاحبه با یادآوری مسافرت اخیر وزیر امور خارجه سوریه به تهران، گفت که "سفر فاروق الشرح به تهران برای جلوگیری از گسترش جنگ عراق و ایران صورت گرفته است و مادر این زمینه موفق بوده‌ایم." این سخنان

حافظ اسد بدین معنی است که از نظر دولت سوریه، رژیم جمهوری اسلامی در ماه گذشته پیش از سفر فاروق الشرح، در صدد گسترش جنگ بوده است و تنها مداخله سوریه توانسته است جلوی آن را بگیرد؛ علاوه بر این در هفته‌های اخیر رسانه‌های بین‌المللی گزارشات دیگری نیز منتشر کرده‌اند که از وجود موارد متعددی از اختلاف نظر میان تهران و دمشق حکایت می‌کند. از جمله این موارد، تحریکات خشونت بار و مفسده جوئی‌های "حزب الله" در لبنان است که علیه نیروهای مرفقی لبنان و فلسطین و دولت سوریه صورت می‌گیرد. رئیس جمهور سوریه در این مصاحبه با عنوان "مسائل ما و حزب الله" بر این امر انگشت نهاد. بقیه در صفحه ۲

مصاحبه "اکثریت" با ایندرا جیت گوپتا

نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری

تارگری این کشور بود. اما پس از آن تحت تاثیر چند انشعاب در سازمان سیاسی طبقه کارگر و انشعابات و اختلافات در دیگر سازمانهای سیاسی قرار گرفت. اکنون چند تشکل کارگری دیگر نیز وجود دارد که از جمله آنها می‌توان از "شورای مرکزی اتحادیه کارگری هند" نام برد.

در سالهای اخیر روند مثبتی در مناسبات میان این تشکل‌ها پدیدار شده است. رفیق گوپتا از این امر با رضایت و امیدواری یاد کرد. وی گفت که مناسبات میان شورای سراسری و شورای مرکزی بهتر از گذشته است که تجلی آن برگزاری مشترک جشن‌های اول ماه مه در سال جاری است. علاوه بقیه در صفحه ۵

خبرنگار اکثریت گفتگوی با ایندراجیت گوپتا نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری به عمل آورد. رفیق ایندراجیت گوپتا در عین حال عضو هیات دبیران حزب کمونیست هند، دبیرکل "شورای سراسری اتحادیه‌های کارگری هند" و نماینده مردم در پارلمان هند وستان است.

بخش آغازین این گفتگو به تشریح موقعیت طبقه کارگر هند و سیاست‌ها و عملکرد شورای سراسری اتحادیه‌های کارگری هند اختصاص داشت. شورای سراسری اتحادیه‌های کارگری هند در سال ۱۹۲۰ در بمبئی پایه‌گذاری شد و تا سال ۱۹۴۷ یعنی سال استقلال هند تنها اتحادیه

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه اول

عطف در حیات انقلابی سازمان ماست. امروز فداییان خلق ایران در هر کجای که باشند نیرومندتر از پیش و با ایمانی والاتر نسبت به سازمان و اهداف و آرمان‌های انقلابی خویش، با همه هستی خود در راه تحقق تصمیمات و آماج‌هایی که پلنوم فراروی سازمان قرار داده است، تا به آخر خواهند رزمید.

با ایمان به پیروزی راهمان
دبیرخانه

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

* اسناد مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در شماره آینده کار به چاپ می‌رسد.

برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران و دبیر اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق فرخ نگهدار را به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار شد که رژیم ترور و اختناق خمینی بیداد می‌کند. برگزاری این پلنوم وسیع مشت محکمی بود بردهان پیاوه‌گویان رژیم که مدعی غلبه بر جنبش کمونیستی و کارگری میهن‌ماستند. پلنوم پیوند میان دستگاه رهبری و تشکیلات را مستحکم‌تر کرد. پلنوم نیروی فداییان خلق را در مبارزه علیه رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی‌گمان یک نقطه

سازمان در مبارزه بخاطر صلح و دموکراسی و برای سوسیالیسم را دقت بخشید و با وضوحی تازه وظایف سازمان ما در راه تامین اتحاد همه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد.

در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند و از این طریق در زمینه‌های مختلف پلنوم وسیع را در جهت انجام وظایف خود یاری دادند. پلنوم در فضای ایدئولوژیک و سیاسی بسیار فعال و مشارکت موثر همه شرکت‌کنندگان برگزار کردید. در پایان پلنوم، انتخابات برای برگماری اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبال آن انتخابات

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپس امر خطیر وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران را مورد بررسی قرارداد.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، به ویژه در وضعیت فعلی جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران اهمیت فوق‌العاده قابل‌شد و با صدور قطعنامه‌ای جامع وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد.

نظر به اهمیت تصریح مواضع سازمان در زمینه تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک مادر این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد به طور جداگانه قطعنامه‌ای صادر کرد.

پلنوم در این بخش، وظایف

پاریس = تهران

بقیه از صفحه اول

"عادی شدن روابط به چه قیمت؟"

باید توسط "نخستی با شرکت کارشناسان دو کشور صورت گیرد"

سخنان شیراک و شرط مطرح شده آشکارا باج‌گیری است. در صورت پذیرش این شرط، مطالبات ایران از فرانسه به همان سرنوشت مطالبات ایران از آمریکا دچار خواهد شد که بدنبال پذیرش شروط پیمانیه الجزایر صرف پرداخت خسارت به کمپانی‌های آمریکایی گردیده است. اظهار نظر روزنامه لیبراسیون مبنی بر کسب توافق‌هایی در زمینه بدهی اردویدف، سخنان دنی‌بودون که در مذاکره در مورد دو مسئله وام و پناهندگان "گفتگو با اندازه کافی پیشرفت داشت" و نیز گفته معیری مبنی بر "برخورد مثبت" مقامات فرانسوی با این دو مسئله، به معنی این است که جمهوری اسلامی خود را آماده نشان داده است که حول "راه حل" پیشنهادی شیراک گفتگو پیش برود.

به این ترتیب دولت دست راستی فرانسه با تحمیل محدودیت بیشتر برای سازمان‌های مترقی ایرانی در فرانسه (که تاکید اصلی طرف ایرانی روی آن بود) اکنون با خوش‌بینی بیشتری به گسترش نفوذ خود و افزایش سهم غارتگرانه انحصارات فرانسوی در ایران چشم دوخته است. اکنون آشکار می‌شود که طرفین برای عادی سازی روابط چه پرداخته‌اند و چه دریافت کرده‌اند.

جمهوری اسلامی برای نشان دادن "حسن نیت" خود یک قلم از نیم میلیارد دلار بدهی اردویدف صرف نظر کرده است، تا راه حل و فصل این مورد اختلاف هموار شود. مطالبات ایران از اردویدف (کمپانی‌های انرژی اتمی اروپایی) مربوط به وام ایران در سال ۱۹۷۵ به این شرکت است. اما شرکت فرانسوی پس از انقلاب از بازپرداخت این وام خودداری کرد و قلمراً پانه آن را بالا کشید.

مقامات ایرانی پیرامون نتایج مذاکره در مورد مطالبات ایران از اردویدف، نظری منفی ابراز نکرده‌اند. این در حالی است که مقامات فرانسوی تقریباً با صراحت اعلام داشته‌اند که حاضر به بازپرداخت آن نخواهند شد. ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه گفت بازپرداخت این مبلغ، بدان منوط است که جمهوری اسلامی به کمپانی‌های فرانسوی که در ایران کار می‌کردند، خسارت بپردازد. روزنامه فیکارو نوشت که شیراک گفته است در بررسی این مسئله "باید خسارتی را که به موسسات فرانسوی بدنبال لغوبرخی قرار داده‌ای مهم وارد شده است نیز به حساب آورد." به نوشته فیکارو حل و فصل "خسارات موسسات فرانسوی"

سال ۱۹۷۴ میان دولت فرانسه و رژیم شاه در زمینه "تحويل مجرمین" منعقد گردیده بود. ژاک شیراک در گفتگویی با خبرنگاران، بی‌آنکه نحوه اقدامات دولت فرانسه را در این مورد تصریح کند، گفت "ما خواهیم دید که چه کاری می‌توان کرد" تا برخی "زباده روی" های پناهندگان ایرانی محدود شود و آنها به عدم فعالیت سیاسی که می‌بایستی در خاک فرانسه پیشه می‌کردند، وادار شوند. علاوه بر این مطبوعات فرانسوی اعلام داشته‌اند که بزودی مجلس فرانسه لایحه‌ای را که در هیات دولت تصویب شده است، برای تصویب نهایی مورد بررسی قرار خواهد داد. گفته می‌شود که این لایحه به منظور یافتن مبنایی برای اخراج مخالفین فعال دولت‌هایی که فرانسه با آنها رابطه دارد، تنظیم گردیده است.

مفاد گزارش رسانه‌ها حاکی از این است که مذاکره پیرامون بدهی شرکت فرانسوی اردویدف به دولت ایران، مطابق شروط طرف فرانسوی پیش‌رفته است. مقامات ایرانی تا کنون مبلغ این بدهی را یک میلیارد دلار اعلام داشته‌اند. اما روزنامه فیکارو آن را ۱/۵ میلیارد دلار برآورد کرده است. ظاهراً دولت

مطالبات معوقه دولت ایران یافته شود.

دنی‌بودون سخنگوی نخست وزیر فرانسه اعلام داشت که توافق بر سر این دو مسئله ممکن است. وی پس از دیدار معیری و شیراک به خبرنگاران گفت این دیدار "ملاقات بسیار مثبتی بوده است" و افزود "گفتگو با اندازه کافی پیشرفت داشت. در رابطه با اختلافات مالی و وضعیت برخی ایرانیان در فرانسه شریک شد." روزنامه لیبراسیون نیز در روز ۲۲ ماه مه این امر را تایید کرد و نوشت "در باره پناهندگان و وام، نه در مورد جنگ ایران و عراق" موافقت‌هایی صورت گرفته است.

ساخت و پاخت رژیم جمهوری اسلامی و دولت امپریالیستی فرانسه با واکنش منفی نیروهای مترقی در فرانسه روبرو شده است. در این زمینه روزنامه اومانیتیه ارکان حزب کمونیست فرانسه در روز جمعه گذشته با اشاره به سخنان دنی‌بودون نوشت که اکنون "معلوم می‌شود عادی شدن روابط دو کشور به چه بهایی صورت می‌پذیرد."

در زمینه هر چه محدودتر کردن اپوزیسیون مترقی ایرانی در فرانسه، دولت این کشور قول انجام اقدامات معینی را داده است. مطبوعات فرانسوی خیز داده‌اند که اجرای مفاد قراردادی در دست بررسی است که در

یاد فدایی خلق قربانعلی مؤذنی پور جاودانه است

دو سال از شهادت قهرمانانه فدایی خلق، رفیق قربانعلی مؤذنی پور گذشت. در خرداد ماه سال ۱۳۶۳ رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی رفیق مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان را به شهادت رساند.

با شهادت رفیق مؤذنی پور (احمد) طبقه کارگر ایران یک رهرو و رزمنده پر ارج و سازمان ما، یک انقلابی پر شور، یک تکیه گاه مطمئن و یک سازمانگر برجسته را از دست داد. رفیق مؤذنی پور همه خصائل یک انسان

طراز نوین، یک کمونیست رزمنده را دارا بود. او سمبلی از یک مبارز فدایی و الگویی جاودانه برای همزمانش است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور طی اطلاعیه ای نوشت: "دشمنان مردم، دژخیمان بیخرد و زبونی که برآند تا درخت بی برگ و ریشه و از پیش مرده هستی خود را با خون جوانان وطن

سیراب کنند بار دیگر در برابر عزم و رزم ما به ستوه آمدند و خوار شدند و خاک گور خود را بر سیمای اهریمنی خویش پاشیدند...

فدائیان خلق، در میدانهای رزم انقلابی میثاق خویش را با شهید کمیته مرکزی خود تجدید می کنند. شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور و صدها تن دیگر از رهبران و رزمندگان فدایی نشان شورانگیز میثاق فداییان با خلق ایران است*

شکاف در مناسبات...

بقیه از صفحه اول

رژیم خمینی که پشتیبان فعال "حزب الله" است در مجامع و محافل بین المللی مسئول مستقیم آنان شناخته می شود.

سخنان اخیر حافظ اسد، خشم دولتمردان جمهوری اسلامی را برانگیخته است و بدنبال آن در هفته گذشته روزنامه رسالت طی مقاله ای به دولت سوریه حمله کرد. این نخستین نشانه علنی سردی مناسبات میان دولت سوریه و رژیم جمهوری اسلامی است.

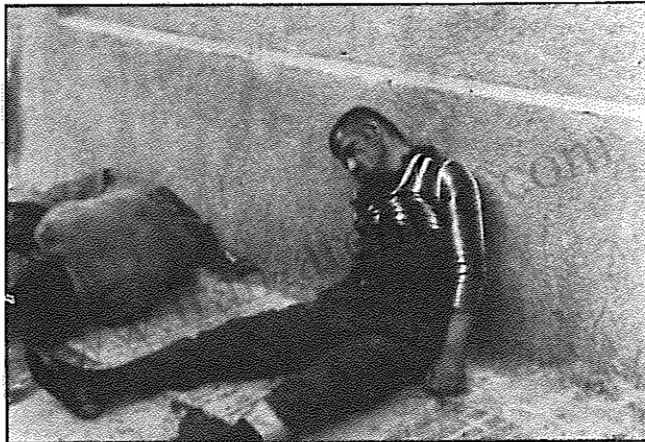
علاوه بر این حافظ اسد روز شنبه سوم خردادماه در دمشق با ملک حسین دیدار کرد. این دومین دیدار این دو تن در طی سه هفته اخیر بوده است. ملاقات اخیر بدنبال بازگشت ملک حسین از بغداد صورت گرفت. ملک حسین در بغداد با صدام حسین مذاکره داشت. از آنجا که مذاکره صدام حسین و ملک حسین کمی پس از ملاقات نخست حافظ اسد و ملک حسین صورت می گیرد، محافل دیپلماتیک و رسانه های بین المللی آنرا میانجیگری ملک حسین برای تخفیف اختلاف دو دولت سوریه و عراق تلقی کرده اند. دیدار ملک حسین از دمشق پس از بازگشت از بغداد نشانه دیگری در همین راستا بشمار می آید.

انتشار این اخبار در تهران در میان سران حکومت خمینی نگرانی شدیدی بهار آورده است. روزنامه اطلاعات که خبر این ملاقاتها را بازتاب می داد تایید کرد که دیدار ملک حسین از دمشق "در چارچوب میانجیگری اردن، بین سوریه و عراق قرار دارد."

ملک حسین پیش از دیدار با اسد باحسبی مبارک رئیس جمهوری مصر در بندر اردنی "عقبه" ملاقات و گفتگو کرد. وی هم چنین در هفته جاری راهی واشنگتن خواهد شد. رسانه های گروهی خیر داده اند که وی در سر راه در پاریس توقف خواهد داشت و با مقامات گفتگو خواهد کرد. در ادامه این دیدارها در هفته های آتی، طارق عزیز معاون رئیس جمهور عراق به منظور مذاکره با دولتمردان فرانسوی روانه پاریس می شود.

از جانب سوریه در روزهای گذشته دو هیات به عربستان سعودی اعزام شدند. این دو هیات رادومقام عالیرتبه سوری، عبدالحمید خدام و فاروق الشرع سرپرستی می کردند. این دو در ریاض با ملک فهد مذاکره کردند. بنابه گزارش های منتشره در مطبوعات عربی، در تمامی این دیدارها علاوه بر مسائل عمومی جهان عرب، مسئله جنگ ایران و عراق و مناسبات دولت سوریه با رژیم های عراق و ایران در دستور کار قرار داشته است.

دیواعتیاد، مدام قدرت بیشتری می یابد



در ایران دیو اعتیاد مدام قدرت بیشتری می یابد. بنا به گزارش "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل متحد، در ایران حداقل ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و ۱۰۰ هزار نفر به هروئین معتادند. این آمار متعلق به دو سال پیش است. اکنون باید از رقمی نزدیک به دو میلیون سخن گفت.

اکنون در کوشه و کنار تهران و دیگر شهرهای ایران مناظر دردناکی از این دست که در دو تصویر این نوشته دیده می شود، بسیار به چشم می خورد. در هنگام عبور از خیابان ها، چه بسیار جوانانی به چشم می خوردند که پزمرده و نحیف، تکیه بر دیوار داده و در حالت اغما فرو رفته اند. در جلوی چشم، هروئین و تریاک رد و بدل می شود و در کوچه ها همانگونه که در عکس می بینید بساط هروئین کشی برپاست.

نوجوانان و دانش آموزان نیز از آفت اعتیاد مصون نمانده اند. در

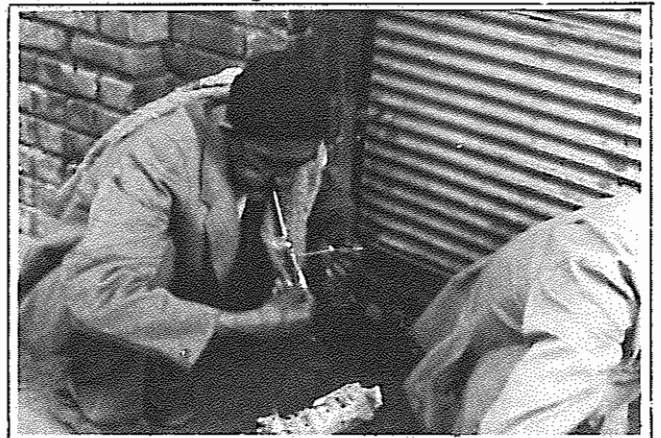
باقی ماندن آنها "انگیزه" فراهم سازد. در یکی از نامه هایی که از تهران برای ما فرستاده شده است چنین می خوانیم

"...به پارک لاله رفته بودم و قدم می زدم، در قسمت های پرت پارک در هر ده پانزده قدم بی اغراق سی و چهل آمبول مصرف شده می دیدم که معتادین پس از تزریق هروئین آنها را در زیر درختها و بوته گلها پرت کرده بودند... همه می دانند که بیشتر آنها در چپه جنگ و دردوره سربازی معتاد شدند."

گسترش وسیع مواد مخدر از جمله آفت هایی است که جمهوری اسلامی به ارمغان آورده است. عوامل رژیم در کمیته و سپاه، خود از جمله پخش کنندگان عمده مواد مخدر محسوب می شوند. عوارض اجتماعی و روانی حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی زمینه ساز گسترش اعتیاد تا این حد فاجعه آمیز می باشد. (عکس ها از خبرنگاران نشریه "اکثریت")

مدارس نیز - بویژه در سیستان و بلوچستان - نوجوانان زیادی به چشم می خوردند که به مواد مخدر معتاد گشته اند.

در چپه ها، هروئین و حشیش به وفور یافت می شود. رژیم آگاهانه در میان سربازان و بسیجی ها مواد مخدر پخش می کند، تا در کنار دیگر عوامل تخدیر کننده، برای در چپه



از سرگیری عملیات در فو

در آغاز هفته گذشته نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در منطقه عملیاتی والفجر ۸ (فو) عملیاتی صورت دادند. با آنکه ستاد مشترک جنگ جمهوری اسلامی این عملیات را "موفقیت آمیز" اعلام کرده بود، سختکوی دولت عراق اظهار داشت که حمله جمهوری اسلامی را در این منطقه خنثی کرده و تلفات سنگینی به نیروهای ایران وارد ساخته است. عراق متقابلاً مدعی شد که در منطقه عملیاتی والفجر ۹ واقع در جبهه شمالی، به مواضع جمهوری اسلامی حمله برده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی مدعی است که یک فروند جنگنده عراقی را سرتکون کرده و در منطقه فکه، نیروهای عراقی را کاملاً شکست داده است.

از سوی دیگر خامنه‌ای رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه روز ۹ خرداد ماه اعلام کرد که هدف از گردآوری نیرو در جبهه‌ها برای یکسره کردن کار جنگ می‌باشد. باید افزود که تدارکات رژیم جمهوری اسلامی به منظور بسیج و اعزام نیرو به جبهه در هفته گذشته نیز ادامه یافت.

روز دوشنبه ۵ خرداد ماه ستاد مشترک جنگ جمهوری اسلامی اعلام کرد که یک ناوچه چینی عراق را در حوالی خورعیدالله مورد حمله قرار داده است. از سوی دیگر عراق اعلام کرد که به یک نفتکش بزرگ در نزدیکی سواحل ایران حمله کرده است. هفته گذشته دولت عراق ادعا کرده بود که به یک نفتکش بزرگ ۲۰ میلیون دلاری قبرسی که تحت اجاره جمهوری اسلامی بوده و از آن برای انتقال نفت از خارک به جزیره سیری استفاده می‌شد، حمله کرده و به آن خسارت زیادی وارد ساخته است.

در هفته گذشته سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که نیروی هوایی آن کشور، بار دیگر تاسیسات نفتی خارک را بمباران کرده است. از جانب دیگر عراق مدعی شد که تاسیسات نفتی ایران در حوالی شوشتر و دزفول نیز بمباران شده است.

پیام خصوصی

ملک فهد پیرای میر حسین موسوی

علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر کمی پس از بازگشت از سفر فرانسه، در تهران با کاردار سفارت عربستان سعودی دیدار کرد. معیری در این دیدار پیام خصوصی ملک فهد را برای نخست وزیر

جمهوری اسلامی از کاردار سفارت عربستان دریافت داشت. رادیوی جمهوری اسلامی که در روز ۷ خرداد این خبر را منتشر ساخت از مضمون این پیام هیچ خبری ارائه نکرد.

صد و نرفت ارزان به ترکیه

روزنامه اطلاعات ۲۸ اردیبهشت ماه (به نقل از خبرگزاری "آنتولی" ترکیه) گزارش داد که جمهوری اسلامی ایران از این پس نفت را بر اساس قرارداد "نت بک" به ترکیه می‌فروشد. در این خبر از قول رییس خزانه‌داری و مسئول تجارت خارجی ترکیه آمده است که، "ترکیه توانسته است پس از مذاکرات طولانی به ایران، موافقت آن کشور در مورد فروش نفت خام به صورت "نت بک" را کسب نماید." باید افزود که اعلام رسمی قرارداد فروش نفت ارزان در رسانه‌های دولتی در ارتباط با سخنان اخیر رفسنجانی مبنی بر فروش گسترده نفت ارزان بوده است.

روستائیان

۴۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند

سرویس اقتصادی روزنامه کیهان اول خرداد ماه، طی گزارشی آمارهای مربوط به بخش کشاورزی را اعلام نمود. بر اساس آمارهای ارائه شده، در سال ۱۹/۲۱۲۶۲ میلیون نفر از جمعیت ۴۰ میلیونی کشور در روستاها زندگی می‌کردند. سهم تولیدی این بخش از جمعیت در کل تولید ناخالص ملی، ۱۴ درصد اعلام شده است. در این گزارش آمده است که جمعیت روستائی که در سال ۱۳۴۵، بالغ بر ۶۳ درصد کل جمعیت کشور بود در سال ۱۳۶۴ تا حد ۴۵ درصد کل جمعیت تنزل یافته است.

۵۸۲ هزار دواطلب شرکت در کنکور

کیهان ۲۹ اردیبهشت به نقل از میر شمس مدیر کل گزینش دانشجو اعلام کرد که ۵۸۲ هزار نفر دواطلب شرکت در کنکور امسال می‌باشند. بر اساس گزارش فوق از بین این تعداد دواطلب تنها ۴۲ هزار نفر بعنوان دانشجو پذیرفته خواهند شد. بدین ترتیب تعداد پذیرفته شدگان آزمون سراسری سال جاری، قریب به ۷ درصد کل شرکت کنندگان این آزمون خواهد بود. بخش عمده‌ای از ظرفیت

گرانی پید ادمی کند



در ماههای اخیر، گرانی به حد بیسابقه‌ای افزایش یافته است. نرخ چند قلم از میوه‌های موجود در بازار تهران را روزنامه دولتی چنین اعلام کرده‌اند.

خیار	۴۰-۴۵ ریال
هندوانه	۱۸-۱۴ ریال
کیلاس	۱۲۰ ریال
سیب زمینی	۲۵۰ ریال
پیاز	۱۸۰ ریال
(واحد یک کیلوگرم)	

دانشگاهها رسماً به وابستگان و یا معرفی شدگان نهادهای حکومتی اختصاص داده شده است. باین ترتیب امکان قبولی داوطلبان ورود به دانشگاه بسیار کمتر از ۷ درصد خواهد بود.

آزمون سراسری امسال در اوایل تیر ماه، برگزار می‌شود. این آزمون ۲ روز ادامه می‌یابد و داوطلبان در این مدت به ۲۰۰ سؤال عمومی و نزدیک به ۲۰۰ سؤال اختصاصی پاسخ خواهند داد. در قسمت پرسشهای عمومی، ۷۰ سؤال به مسائل فقهی و زبان عربی اختصاص دارد.

کنترل گرانفروشی ناممکن است

حجت الاسلام رمضان سیرست دادسرای انقلاب اسلامی در امور اقتصادی طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که کنترل گرانفروشی توسط ارگانهای دولتی در جمهوری اسلامی ناممکن است. وی با اشاره باینکه بهای ارز پرداختی کالاها و وارداتی سه گانه است اعلام کرد که تجار در نرخ گذاری کالاها در هر صورت بهای ارز در بازار آزاد را مبنای قرار می‌دهند. وی نتیجه گرفت، "وقتی که قیمت کالاها معین نباشد و ورود کالا هم با سه نوع ارز باشد وضع بازار بهتر از این نمی‌شود." نامبرده همچنین فاش ساخت که اجناس زیادی بدون اطلاع وزارت بازرگانی وارد گمرک شده و ترخیص می‌شوند؛ "اجناس زیادی وارد گمرک می‌کنند در صورتی که اصلاً اسمی از این کالاها در وزارت بازرگانی نیست. آنها با مهر قلابی جنس را وارد گمرک می‌کنند. وقتی از گمرک آمد بیرون هیچ اداره‌ای روی آن نظارت نمی‌کند."

لپه‌های فاسد "بازسازی" می‌شوند!

یک شرکت دلال ایرانی به نمایندگی از سوی یک شرکت واسطه مقیم سنکاپور هزاران تن لپه فاسد را وارد ایران کرده است. بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲۷ اردیبهشت کارشناسان لپه‌های مزبور را به علت خشره‌زدگی غیرقابل مصرف عمومی تشخیص داده‌اند. در گزارش روزنامه کیهان قید شده است که لپه‌های مزبور پس از "بازسازی" کبسه‌گیری و توزیع خواهند شد.

اخبار کوتاه

* مدیر عامل شرکت سهامی فرش ایران روز ۲۲ اردیبهشت ماه اعلام کرد که در مقطع سال ۸۰۰،۶۰ هزار کارگاه قالی بافی در سطح روستاهای کشور وجود داشته که در حدود یک میلیون نفر قالی‌باف در آن مشغول به کار بوده‌اند.

* معاون نخست وزیر و سرپرست "بنیاد مستضعفان" اعلام کرد که جمع دارائی‌های بنیاد در سراسر کشور ۴۸۱ میلیارد ریال بوده و بدهی‌های بنیاد نیز از مرز ۲۲۰ میلیارد ریال گذشته است.

* کمیته آرد امن مطبوعات دولتی رانیز گرفته است. روزنامه اطلاعات در روز ۲۴ اردیبهشت اعلام داشت که "بعثت کاهش درآمد ارزی" از این پس این روزنامه با صفحات کمتری منتشر خواهد شد.

توطئه مشترک خان ورژیم

در منطقه کوه‌دشت فاجعه آفرید

توطئه ارکان های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و مهندسی خان و مقامات قضائی، در منطقه کوه‌دشت در روز هفتم اسفند ماه ۶۴ فاجعه‌ای بهار آورد که به قتل سه دهقان، مجروح شدن تعداد زیادی از آنان و خانه خرابی دو روستای گراوند و رومیانی منجر گردید.

کشاورزان دو روستای هم جوار گراوند و رومیانی تا چندین پیش در کنار یکدیگر کار می‌کردند و از ستم مشترکی رنج می‌بردند. در منطقه آنها، منطقه اوشکان که در چهل کیلومتری شهر کوه‌دشت قرار دارد، محمد حسین غضنفری فئودال بزرگ حکمروایی می‌کرد. این شخص نماینده برگزیده حزب رستاخیز در مجلس رژیم شاه بود. ساواک، ژاندارمری، شهریانی، دادگستری و دیگر ارگانها و ادارات منطقه در خدمت وی قرار داشتند.

غضنفری با چنین قدرتی بر جان و مال زحمتکش اوشکان مسلط بود. با تصاحب ثمره رنج و کار مردم مدام بر اموال و املاک خود می‌افزود و علاوه بر این قطعه زمین‌های کوچک دهقانان را نیز یک به یک تصرف می‌کرد. در سال ۵۵ گام بزرگی در این جهت برداشت و یک قلم نزدیک به ۵۰۰ هکتار از اراضی روستاییان رومیانی یعنی همه زمین‌های ۱۲۷ مزار باپا حبیب را به نام خود به ثبت رساند. در این اراضی حدود ۶۰۰ خانوار زحمتکش رومیانی کار می‌کردند و از درآمد ناچیزش امرار معاش می‌نمودند. دهقانان به این تجاوز گستاخانه اعتراض کردند. با این

اعتراض غضنفری از تصرف فوری زمین‌ها صرف نظر کرد و به دهقانان گفت که قصد تصرف این کشتزارها را ندارد تنها به این خاطر آن را بنام خود ثبت کرد که شخص یک نماینده مجلس با میزان ملک و املاکش سنجیده می‌شود.

اما وی در سال بعد زمین‌ها را از چنگ دهقانان خارج ساخت و خود به زیر کشت برد و پساخ اعتراض دهقانان را با اسلحه ژاندارم هاداد.

پس از بیروزی انقلاب دهقانان روستای رومیانی کوشش‌های زیادی برای تصرف مجدد کشتزارهایشان انجام دادند. اما هیچیک از مقامات رژیم جمهوری اسلامی کوشش‌های برای شنیدن شکایت برحق و مستند این کشاورزان زحمتکش نداشتند. رومیانی‌ها در حالیکه سند مالکیت خود را بر

زمین‌های متصرفی غضنفری در دست داشتند پله‌های ساختمان‌های این اداره و آن ارکان را بالا و پایین کردند اما هیچ نتیجه‌ای نگرفتند. برای مقامات جمهوری اسلامی چیزی جز سند مجهول غضنفری معتبر و برحق نبود. غضنفری با اتکالی این سند و با حمایت مسئولین دولتی زمین‌های متصرفی را قطعه قطعه کرده و در معرض فروش نهاد. از جمله خریداران این زمین‌ها کسانی از روستای مجاور - روستای گراوند - بودند. دهقانان رومیانی به خریداران تازه اجازه کشت نمی‌دادند. و این زمین‌های برای بروز کدورت و اختلاف میان ساکنین این دو روستا گردید که خان و جمهوری اسلامی مسبب و مشوق آن بودند. این اختلاف با تحریکات مسئولین و عوامل خان در منطقه مدام تشدید گردید.

در اسفند ماه دهقانان رومیانی بر آن شدند که این اراضی را شخم و کشت نمایند. مقامات قضایی که حاضر نبودند در برابر غضنفری از آثبات حمایت نمایند، این بار مشوقشان گردیدند! از سوی دیگر برای باز پس گرفتن مبالغ پرداخت شده از سوی خریداران گراوندی این زمین‌ها از غضنفری و جبران خسارات وارده به آنان هیچ اقدامی به عمل نیاوردند و مراجعات خریداران زمین بلا اثر ماند. بدین ترتیب مسئولین دولتی رذیلقه زمین را بگونه‌ای فراهم ساختند که اهالی دو روستا رودر روی یکدیگر قرار گیرند.

در روز هفتم اسفند ۶۴ درگیری شکل گرفت که نتایج فاجعه‌باری داشت.

مامورین ژاندارمری با اینکه در این روز در محل حضور داشتند هیچ اقدامی برای جلوگیری از زد و خورد صورت ندادند و تحت نظارت مستقیم ژاندارم‌ها زد و خورد گسترش یافت که در نتیجه آن عده‌ای از دهقانان کشته و مجروح شدند. ژاندارم‌ها تنها پس از این رویداد فعالانه وارد صحنه شدند و با بهره‌گیری از این فاجعه خود ساخته، بمنظور ایجاد رعب در میان دهقانان به قدرت نمایی پرداختند و عده زیادی را دستگیر و زندانی نمودند. سپس به خانه‌گردی وسیعی در این روستا دست زدند و تمامی سلاح‌هایی را که در دست مردم بود ضبط کردند. همان سلاح‌هایی که همواره مایه نگرانی ارکان‌های سرکوب بوده

مصاحبه "اکثریت" با ایندرا جیت گوپتا

نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری

اتحاد افشار مختلف کارگری همانا رقابت جوئی‌های ناسالم اتحادیه‌های کارگری است.

ایندراجیت گوپتا نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری در بخش‌های دیگر این مصاحبه برخی از مسائل مهم طبقه کارگر را در سطح جهان توضیح داد. ایندراجیت گوپتا مبارزه در راه حفظ صلح را از وظایف اصلی و اولیه جنبش جهانی کارگری نامید و بر این واقعیت تکیه کرد که هم اینک نیز این طبقه در راس جنبش صلح جای دارد. وی ضمن تقبیح مسابقه تسلیحاتی، مداخله جویی و تجاوزگری امپریالیست‌ها که بویژه در افغانستان، نیکاراگوئه، لیبی و لبنان دیده می‌شود، گفت رشد این مفسده جوئی‌ها در بحران‌های اقتصادی امپریالیسم نهفته است. وی متذکر شد که این بحران‌ها در عین حال "شرایط عینی برای رشد جنبش کارگری در سطح جهان و اتحاد عمل کارگران را فراهم می‌آورد" اگر چه عوارض منفی آن باعث بروز برخی تفرقه‌ها نیز می‌گردد.

نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری اعلام داشت که "اکنون در کشورهای مختلف فرموله کردن وظایف جنبش جهانی کارگری تحت بحث و بررسی است. نتیجه نهائی این مباحثات در یازدهمین کنگره اتحادیه‌های جهانی کارگری که در سپتامبر آینده در برلین برگزار می‌گردد، اعلام می‌گردد. این کنگره بزرگترین گردهمایی جهانی نمایندگان طبقه کارگر خواهد بود." وی در بخش دیگر این مصاحبه خبر داد که فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری بنای یادبودی در بزرگداشت شهدای طبقه کارگر و رزمندگان صلح در پراک بنا کرده است که در اول ماه مه امسال برده برداری شده است.

در پایان این گفتگو رفیق گوپتا همبستگی کارگران هندوستان را با مردم و طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه "حکومت ستمگانه" خمینی تکرار کرد و خطاب به کارگران ایران گفت "کارگران هند در مبارزه مشترک در راه صلح و دموکراسی برادران طبقاتی شما هستند، از پشتیبانی ما در تمام مواقع مطمئن باشید."

بقیه از صفحه اول بر این همکاری مشترک بسیاری در دیگر زمینه‌ها انجام شده است. و این دو تشکل که اصلی‌ترین مراکز صنفی کارگران هندوستان می‌باشند. پیرامون مسائل کارگری این کشور مواضع مشترکی اتخاذ می‌نمایند. اکنون شورای سراسری خواهان ادغام این دو سازمان صنفی در یکدیگر می‌باشد. رفیق گوپتا اظهار داشت که انجام این ادغام "بر پایه مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه طبقاتی، شناختن برابری حقوق پیروان مذاهب و عقاید متفاوت و اعتقاد به جهانی بودن وحدت طبقاتی کارگران" میتواند صورت پذیرد.

دبیر کل شورای سراسری اتحادیه‌های کارگری هند تشریح کرد هدف نهائی که این شورا در راه آن کار و مبارزه می‌کند "ساختن جامعه سوسیالیستی در هند" است و در این راستا دستیابی به اهداف عاجل زیر را هدف قرار داده است "تامین حداقل دستمزد مورد نیاز کارگران، تامین امنیت اجتماعی کافی، ایجاد محل کار برای همه، تضمین حقوق اتحادیه‌های کارگری، توجه ویژه به وضعیت زنان کارگر و کارگران جوان، دموکراتیزه کردن بخش دولتی و ملی کردن صنایع مهمی که در تملک بخش خصوصی است."

ایندراجیت گوپتا گفت تعداد کارگران هندوستان ۴۵ تا ۵۰ میلیون نفر است. کارگران کشاورزی و دیگر کارگران شاغل در روستاها جز این رقم منظور نشده‌اند. قریب نصف این تعداد در بخش سازمان یافته مشغول کارند و نصف بقیه در کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بخش سازمان نیافته اشتغال دارند. ۲ میلیون تن از کارگران هند در شورای سراسری اتحادیه‌های کارگری عضویت دارند. بخش اعظم این اعضا را کارگران صنعتی و هم چنین کارگران بقیه سفید تشکیل می‌دهند.

رفیق گوپتا در تشریح موقعیت مبارزاتی طبقه کارگر هندوستان اظهار داشت "آگاهی طبقاتی طبقه کارگر مند اگر چه پیشرفت بسزائی کرده است، اما هنوز عمدتاً در سطح خواسته‌های اقتصادی مانده است. جنبش توده‌ای استوار است. موارد اعتصابات و مبارزات صنفی افزایش چشمگیری یافته است. اما بزرگترین مانع در راه

اخباری از تبریز (بخش آخر)

در مدارس تبریز

یکی از کلاسهای چهارم نظری دبیرستان دخترانه امیرنظام به علت اعتراضات دانش‌آموزان منحل شد.

در این دبیرستان دانش‌آموزان کلاس چهارم تجربی در اعتراض به رفتار یکی از دبیران خود از طریق نمایندگان کلاس موضوع را با مسئولین مدرسه در میان گذاشته و خواهان تعویض وی می‌شوند. دانش‌آموزان دو کلاس دیگر نیز به اینها پیوستند ولی مسئولین به خواست دانش‌آموزان وقتی ننهادند. و چون با پیکگیری و اصرار آنان مواجه می‌شوند، یکی از کلاس‌ها را منحل کرده و دو کلاس دیگر را در هم ادغام می‌کنند. مسئولین مدرسه نمایندگان کلاس منحل شده را تهدید به دستگیری می‌کنند و در جواب اعتراض اولیا دانش‌آموزان حمایت دانش‌آموزان از سازمانهای سیاسی انقلابی را علت این واکنش تند خود اعلام می‌نمایند.

دبیر پرورشی مدرسه ایراندخت از دانش‌آموزان خواست در برگزاری مراسم "ده فجر" شرکت نمایند. از مجموع دانش‌آموزان مدرسه تنهاده نفر حاضر به همکاری برای برپایی این مراسم شدند این دبیر پرورشی در یکی از کلاسها به دانش‌آموزان گفته بود: "چرا ما را می‌بینید طوری وانمود می‌کنید که انگار دیو دیده‌اید. مگر ما مثل شما آدم نیستیم. چرا اینقدر از ما دوری می‌کنید؟"

لازم به توضیح است که دبیر پرورشی منتصب امور تربیتی و رابط انجمن اسلامی با آن است.

در روز یکشنبه ۱۲ بهمن دبیرستان دخترانه خمینی را با خاطر بزرگاری مانور نیروهای رژیم تعطیل می‌کنند. دختران دانش‌آموز اعتراض کرده و خواستار دایر شدن کلاس درس در این روز می‌شوند. آنها به مسئولین می‌گویند که نمی‌خواهند به خاطر اینگونه مراسم از درس خود عقب بیفتند.

برای چندمین بار پخشنامه‌ای از طرف آموزش و پرورش برای تمامی مدارس دخترانه به منظور تاکید بر لزوم رعایت حجاب دانش‌آموزان حتی در مدارس ابتدایی فرستاده شده است. در پخشنامه ارسالی گفته شده جهت کنترل و نظارت بر اجرای دقیق مفاد آن بازرسانی به مدارس ابتدایی مراجعه خواهند کرد.

در مدارس تبریز نیز مانند دیگر نقاط کشور دانش‌آموزان دختر را وادار می‌کنند که سرکلاس حتی از همدیگر نیز روی بگردانند. خانم معلم تعلیمات دینی با حجاب سرتا پاسباه در کلاس حاضر شده و از دختران نیز روی می‌گیرد.

به منظور اخاذی از دانش‌آموزان، مسئولین آموزش و پرورش به هر گونه شیادی دست می‌زنند. در همین راستا اخیراً از طرف اداره آموزش و پرورش طرح تشکیل کلاسهای کنکور در برخی از دبیرستانهای شهریه به مورد اجرا گذاشته شده است. از جمله آنها کلاس کنکور دبیرستان خمینی است. در این دبیرستان دانش‌آموزان فقط برای شرکت در کلاس ریاضی که توسط دبیر همان مدرسه اداره می‌شود.

بایستی مبلغ ۲۵۰ تومان پرداخت نمایند.

– "شاعر مرگ بر خمینی" در مدارس به کرات نوشته می‌شود. دانش‌آموزان می‌نویسند و انجمن اسلامی به روی آن رنگ می‌پاشد. اخیراً که در دبیرستان پسرانه سعدی (تبریز) بر روی دیوار مدرسه با خط درشت و به وسیله ذغال شعار "مرگ بر خمینی" نوشته‌اند، بازرسی بدنی تشدید شد. و حتی لای کتابها را نیز به دقت می‌گشتند و در توجیه آن می‌گویند که دنبال سیکار، نواری... هستند.

– در دبیرستان دخترانه خمینی (توحید) مدیر مدرسه ضمن سخنرانی درباره "حجاب" با استناد به اطلاعیه اداره آموزش و پرورش که به همه مدارس ارسال شده می‌گوید "اگر خواهران دانش‌آموز حجاب اسلامی را رعایت نکنند بنا به حکم شرع به آنها به عنوان فرد مجرم ۷۴ ضربه شلاق خواهیم زد.

– هر روز یک ماشین تویوتا یا چند مامور مسلح کمیته به جلوی درب مدرسه ایراندخت آمده و آنجا کشیک می‌دهند تا پس از تعطیلی مدرسه و خروج دانش‌آموزان به تعقیب آنان بپردازند. آنها به قول خودشان می‌خواهند به این وسیله دخترانی را که حجاب را رعایت نمی‌کنند، دستگیر کنند.

– در مدرسه راهنمایی بوعلی در موقع ثبت نام از دانش‌آموزان می‌خواهند که پخشنامه مربوط به رعایت حجاب در مدرسه و بیرون از مدرسه را به صورت فرم تعهدنامه امضا نمایند. از این دانش‌آموزان مبلغ ۱۲۰ تومان به بهانه خرید کتاب اخذ کرده‌اند.

– از طرف سازمان انتقال خون اکیبی به مدرسه دخترانه اختر کلانتری می‌رود. تا خون دانش‌آموزان را بکشند و به نیازهای جبهه تخصص دهند. همین عمل را در مدرسه ایراندخت نیز تکرار کردند. واکنش دانش‌آموزان ناگفته پیداست. احساس آنها نسبت به این تقاضای پشیمانانه نفرت و انزجار بود.

– در مدرسه راهنمایی بوعلی و دبیرستان دخترانه امیرنظام اینگونه تقاضاهای پشیمانانه به شکل دیگری تکرار شد. در این دو مدرسه از دانش‌آموزان خواستند که برای جبهه ترشی، مربا و یاقتی تهیه کنند. مسئولین مدرسه تهیه کاموا و پول ترشی را نیز خود تقبل کردند پاسخ دانش‌آموزان همانگونه بود که انتظار می‌رفت.

– در دبیرستان دخترانه رسالت (خدمات) به هنگام ثبت نام از هر یک از دانش‌آموزان، مبلغ صد تومان بابت نام‌نویسی دریافت می‌کنند. پس از گذشت مدتی مسئولین مدرسه بار دیگر به بهانه خرید قلم استنسیل، کج رنگی، رنگ کردن کلاسها از دانش‌آموزان پول طلب می‌کنند که دانش‌آموزان از پرداخت آن خودداری کرده از معاون مدرسه در مورد صد تومانی که هنگام ثبت نام پرداخته‌اند سؤال می‌کنند و او در جواب می‌گوید ۱۰۰ تومان شمارا دادیم به جبهه.

– برای صرفه‌جویی به خاطر نیاز مالی جبهه‌ها

حتی مستخدم و مسئول نظافت برخی مدارس را نیز اخراج کرده‌اند. در مدرسه اختر کلانتری به همین دلیل دانش‌آموزان مجبورند خودشان حیاط مدرسه و کلاس‌ها را نظافت کنند. آنها بارها به مسئولین اعتراض کرده و گفته‌اند مگر واجب است که حقوق و بودجه مستخدم مدرسه را به جبهه‌ها بدهند.

– در مدرسه راهنمایی "حقوق پسر" حقوق مستخدمین و هزینه نظافت مدرسه را ماهانه از دانش‌آموزان می‌گیرند.

– دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه پروین، یکی از بزرگترین مدارس شهر که در خیابان شریعتی ۲ قرار دارد می‌گویند مسئولین آموزش و پرورش قصد دارند این مدرسه را منحل کنند.

– در مدارس شبانه و از جمله در دبیرستان نواب صفوی دانش‌آموزانی را که مردودی سه ساله بودند از اوایل دی ماه اخراج کرده و به آنها گفته‌اند که باید برای تعیین تکلیف، خود را به هنگ ژاندارمری معرفی کنند. در این مدارس محصلین دوساله را نیز به مدارس روزانه منتقل کرده‌اند تا با خاتمه سال تحصیلی جاری آنها را نیز به عنوان "مشمول" دستگیر کنند.

– هم اکنون در پاره‌ای از مدارس شهر کلاس‌ها به صورت "سه سره" دایر است. علت این امر انحلال ۷۲ باب مدرسه در سطح شهر در آغاز سال تحصیلی بود که در رابطه با تخلیه اماکن استیجاری صورت گرفت.

به دنبال نویسنده شعار "مرگ بر خمینی"

در سطح شهر عده‌ای از طرف سپاه مسئول رنگ کردن شعارهای نوشته شده علیه رژیم هستند. اما با وجود این، "مرگ بر خمینی" در محلات زیاد به چشم می‌خورد. واکنش ناشی از وحشت پاسداران رژیم به هنگام دیدن این شعارگاه بسیار مضحک است.

در اواخر آذر ماه در طبقه سوم بیمارستان خمینی تبریز، "شاعر مرگ بر خمینی" را با خون بر روی دیوار نوشته بودند از طرف "سپاه" به محض اطلاع از ماجرا اکیبی برای پیدا کردن نویسنده شعار راهی بیمارستان شد. افراد سپاه پس از ورود به محوطه بیمارستان عملیات ویژه گشت و بازرسی محل را آغاز کردند. آن‌ها ابتدا برای جلوگیری از هرگونه ترس و نقل و انتقال درهای ورودی و خروجی بیمارستان را قفل کردند. سپس اورژانس و راهروهای بیمارستان را

و جب به وجب مورد بازرسی قرار دادند. عملیات بازرسی و کنترل تا روز جمعه ۲۲ آذر ادامه یافت. در این روز مردمی که برای عیادت بیماران خود از تبریز و یا شهرهای دوردست آمده بودند با درهای بسته بیمارستان روبرو شدند و بی‌آن که بیماران را ملاقات کنند مجبور شدند به شهر خود بازگردند. اعمال مامورین سپاه برای یافتن نویسنده شعار "مرگ بر خمینی" حتی کارهای روزمره بیمارستان را نیز دچار اختلال کرده بود.

– به دنبال نوشتن شعارهایی علیه رژیم در قسمت‌های مختلف کارخانه ماشین‌سازی، مسئولین حفاظت اطلاعاتیه‌ای تهدید آمیز در محیط کارخانه نصب کرده و اعلام کردند که به زودی نویسندگان شعارها را دستگیر خواهند کرد. کارگران کارخانه در زیر این اطلاعیه و در پاسخ به نویسندگان آن نوشتند! "آیا مسئولین حفاظت از تکه تکه شدن ساواکی‌ها عبرت نگرفته‌اند."

افزایش شدید نرخ انشعاب آب و برق

رژیم برای رهایی از افلاس روز به روز بر قیمت خدمات دولتی، به ویژه آب و برق که مصرف عمومی دارد می‌افزاید.

از اوایل سال گذشته به دنبال افزایش قیمت برق مصرفی، نرخ انشعاب و امتیاز برق برای مصارف خانگی و واحدهای تولیدی و صنعتی یک پاره تا صد درصد و حتی بیشتر بالا رفت. مثلا هزینه امتیاز یک کنتور تک فاز ۲۵ آمپری که قبلا حد اکثر ۲۵ هزار ریال بود. به ۴۵ هزار ریال و هزینه انشعاب "برق سه فاز" از ۷۵ هزار ریال به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار ریال رسید و در پی آن در نیمه دوم سال ۶۴ طرح‌های برق رسانی به روستاها و واحدهای تولیدی کشاورزی و صنعتی یکی بعد از دیگری متوقف گردید. این اجحافات با اعتراض شدید مردم مواجه شد. رژیم به ناچار در هر اس از گسترش اعتراضات توده‌ای هزینه انشعاب و امتیاز برق را تا حدودی تقلیل داد اما در مورد برق روستاها و واحدهای تولیدی کشاورزی و صنعتی با صدور بخشنامه‌ای به امضای "رنجبر" معاون وزیر اعلام کرد که برق آنها منوط به پرداخت ما به التفاوت قراردادهای منعقد قبلی با تعرفه جدید می‌باشد. بر اساس این تعرفه نرخ انشعاب برق خانگی و تجاری در محلاتی که از وجود "شیکه" برق بی بهره‌اند، ۸۵ هزار ریال است.

خودکفایی

شرکت واحد اتوبوس‌رانی

اخیرا شرکت واحد اتوبوس‌رانی این شهردست به انتشار دفترچه پللیط اتوبوس زده و تبلیغات وسیعی نیز پیرامون این ابتکار خود تحت عنوان "کمک به خودکفایی کشور" به راه انداخته است. اهالی شهر با دیدن تراکتهای تبلیغی شرکت واحد در داخل اتوبوسها و باجه‌های پللیط فروشی از خود می‌پرسند پللیط فروشی شرکت واحد چه ربطی به خود کفایی کشور دارد. در میان "مبتکرین خود کفایی" شرکت واحد صحبت این است که آنان قصد دارند با انتشار این دفترچه‌ها همه باجه‌های فروش پللیط کنار خیابان را بر چیده، نیروی انسانی و بودجه حاصل از آنان را در خدمت "خودکفایی" جبهه قرار دهند.

دستفروش‌ها

از نامه یک شهروند تبریزی،
روبروی شعبه اصلی بانک ملی تبریز برای اهالی شهر محلی است آشنا و کمتر کسی است که این محل شلوغ و پر جنب و جوش را نشناسد. در این محل بساط دستفروشان دایر است. دست فروشانی که اغلب آنها را کارگران فصلی تشکیل میدهند. این کارگران با تعطیلی کار شرکتهای راه سازی و ساختمانی به امید به دست آوردن لقمه نانی، بساط کوچکی تهیه کرده و برای امرار معاش به این محل می‌آیند. هر از گاهی، مامورین ضریب شورداری به بهانه‌های مختلف به این محل یورش می‌برند.

آن روز به همراه فرزند خردسالم از این محل می‌گذشتم که با چشم خود هجوم وحشیانه مامورین ضریب را به دستفروشان دیدم. خبر حمله به سرعت در میان بساطی‌ها پیچید. دست فروشان هر آنچه را که داشتند جمع کرده و در صدد اختفای آنها از دید مامورین بودند. مامورین ضریب به همراه خود وادانث نیسانی را در پیمارستان خمینی تبریز

از نامه یک کارمند تبریزی،

"... بسیاری از کارکنان بیمارستان خمینی تبریز که از اطراف شهر و نقاط دور از بیمارستان، به محل کاری می‌آیند، از کوچکترین امکانات و سرویس ایاب ذهاب برخوردار نیستند و می‌بایستی ساعتها در صف طویل اتوبوس‌های شرکت واحد منتظر بمانند. حال در نظر بگیرید فردی را که از شهرک امام (خانه‌سازی) که مسافت رفت و برگشت آن بیش از سی کیلومتر است، به بیمارستان مراجعه کند و بعلت نبودن سرویس و کمبود شدید اتوبوسهای شرکت واحد، با هزار زحمت و بسا کمی تاخیر به بیمارستان برسد. چنین شخصی باسبیلی از توبیخ و تنبیه و جریمه و احیاناً خطر اخراج مواجه می‌شود...

از وقتی که فردی بنام قاسم رفیع به مدیریت بیمارستان منصوب شده، گرفتاری‌های پرستاران و بهیاران و نظافتچی‌ها و کلا همه کارکنان بیمارستان چند برابر گردید. او از همان اولین روز ورودش به بیمارستان بخشنامه‌های تهدید آمیز صادر کرد. این شخص حتی دوتن از کارکنان را زیر مشت و لگد گرفت، آنهم به بهانه "تخلف از مقررات". از جمله اقدامات وی اجباری کردن

نیز آورده بودند تاخرت و پیرت آنها را در آن جا داده و با خود ببرند. مامورین ضریب در اولین بورش ترازو بی رابر داشته و با تمام قوت بر زمین کوبیدند و سپس چرخ دستی‌ها را واژگون کرده، محتوی گونی‌ها و جعبه‌های دست فروشان را در سطح خیابان پخش کردند. آنان ۸ نفر از دست فروشانی را که مقاومت می‌کردند، دستگیر کرده به داخل وادانث نیسان بردند. نهمین نفری را که می‌خواستند دستگیرش کنند راننده یک وادانث یار بود. یکی از مامورین شورداری درصدد بود هر طور شده ترازوی وی را ضبط کند و راننده وادانث بار سفت و محکم به یک طرف ترازو و چسبیده و مقاومت می‌کرد. بالاخره دست راننده وادانث به شدت زخمی شد و سرتاپایش خونین شد. او با کلوی بغض گرفته خطاب به مامور گفت: "شما از جان ما بدبختها چه می‌خواهید! خجالت بکشید با این چندر غاز در آدمم چه خلفکاری از دستم بر می‌آید... هر جا می‌خواهید برویم. مرگ بهتر از این زندگی است."

استفاده از کارت‌های کنترل ورود و خروج برای کارکنان بود. بدنبال این اقدام در اولین روز، صف طویل کارکنان جهت زدن کارت تشکیل شد و موجب شد تا کارکنان که کلافه شده بودند نسبت به این اقدام اعتراض کنند.

روز دوم تعدادی از کارکنان دستگاه تایمر را از کار انداختند. مدیر بیمارستان که این نقشه‌اش نگرفته بود روزهای بعد صبح‌ها برای غافلگیر کردن افرادی که با تاخیر به بیمارستان می‌رسیدند، در دفتر نگهبانی "مخفی" میشد. کارکنان هم برای دست انداختن این مدیر چمیزباند از یک فرصت استفاده کردند و یک "دم کاغذی" به پشتش چسباندند. او با آن دم کاغذی واقعا مضحک شده بود. با همان وضعیت در کربدورها می‌گشت و نمی‌فهمید که چرا کارکنانی که از کنارش رد می‌شوند به‌خنده می‌افتند.

در بیمارستان خمینی تبریز علاوه بر بیمارهای عادی همیشه عده زیادی مجروحین جنگی بستری هستند. همه کارها بردوش چند صد کارمند و کارگر قرارداد که با وجود کار طاقت فرسا حقوق ناچیزی می‌گیرند در آمد بسیاری از کارکنان بیمارستان بویژه بهیاران، نظافتچی‌ها و کارکنان تاسیسات و غیره در مقایسه با هزینه سرام آور زندگی خیلی پایین است.

مردمی که جمع شده بودند به مامورین اعتراض کرده، خواهان آزادی دستگیر شدگان بودند در همین کپرو دار یکی از دستگیر شدگان از پشت "نیسان" بیرون پریده، پایفرار گذاشت. مامورین می‌خواستند وی را تعقیب کنند که مردم جلوی شان را گرفتند.

راه‌پندان شدیدی شده بود و اعتراضات علیه مامورین بالا گرفت هر کس علیه مامورین چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت روز روشن بی‌گناهان مظلوم را دستگیر می‌کنید! ببین در زندان‌ها با جوانان ما چکار می‌کنند. یکی از دستگیر شدگان به پرسش گفت! برو به شهردار فلان و فلان شده بگو که بدهد ما را تیرباران کنند. اینها عجب روشی دارند. نمی‌گذارند حمالی هم بکنیم. دزدی را آقا زاده‌ها می‌کنند، نفت را کوبنی هم به ما نمی‌دهند...

متوجه شدم که بچه خردسالم از شدت تاشر گریه می‌کند. او به من گفت: "بابا چرا آنها را گرفتند. کبریت برداریم بریم شهرداری را بسوزانیم..."

یکی از کارگران که ۱۲ سال سابقه کار دارد، برای من تعریف می‌کرد حقوقش فقط ۲۵۰ تومان است. او می‌گفت، شش بچه دارم که چهار نفرشان به مدرسه می‌روند. هزینه تحصیل بچه‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. ۱۵۰۰ تومان قسط بانک مسکن می‌دهم، ۱۰۰۰ تومان هم برای یک قسط دیگر می‌دهم. تامین خوراک و پوشاک که جای خود دارد... اگر پس از تمام شدن کارم در بیمارستان در بیرون کار نکنم همگی از گرسنگی می‌میریم.

در بیمارستان‌های دیگر هم وضع بهتر از بیمارستان خمینی نیست. شیره جان کارکنان را می‌مکند مردم راهم سر کیسه می‌کنند. هزینه‌های درمانی در بیمارستان‌های دولتی روز به روز افزایش می‌یابد کارمندی از آشنایان من که دست بچه‌اش شکسته بود، برای درمان و کچ گیری او را به بیمارستان شهدا برد. وی می‌گفت، برای یک کچ گیری ساده از من ۹ هزار تومان پول گرفتند. به اورژانس بیمارستان خمینی سفارش اکید کرده‌اند که همه بیماران از توبیدی (شکستگی و در رفتگی‌ها) را به بیمارستان شهدا ۲۹ بپهن حواله دهند. چونکه در این بیمارستان‌ها از بیماران پول هنگفتی می‌گیرند. همین چندی پیش در بیمارستان ۲۹ بپهن بابت یک عمل جراحی ساده ۱۵ هزار تومان گرفتند...

حکایات و روایات

مارکوس تولیوس سیسرون
(۱۶۱ تا ۴۳ پیش از میلاد)

مارکوس تولیوس سیسرون، خطیب، سیاستمدار و فیلسوف شهر رومی، در زمان تولیوس سزار و پمپئوس، در فرمانروای امپراتوری روم می‌زیست. سزار و پمپئوس پس از سال‌ها حکومت مشترک، درگیر جنگ داخلی علیه یکدیگر شدند، همه مردم در برابر لشکرهای طرفین به اردوی یکی از دو فرمانروا می‌گریختند. در این گیرودار، از سیسرون پرسیدند در نظر دارید به کجا بگریزید. او پاسخ داد: "نیک می‌دانم از چه کسی، اما نمی‌دانم به‌نژد چه کسی باید فرار کنم."

سیسرون دارای این استعداد بود که در همه بینکارهای میان بزرگان، جانب طرفی را بگیرد که در نهایت بازنده بود. سیسرون پس از جلدی دولتی، به اردوی پمپئوس پیوست. همسر پمپئوس، دختر سزار بود.

مناکامی که خطیب به سزار پمپئوس رفته بود، پمپئوس را لحنی خشن گفت اگر چه تصمیم سیسرون برای پیوستن به مخالفین سزار خوشحال کننده است، اما خطیب باید بگوید "دلایل" دامادش کجاست. سیسرون پاسخ داد: "نژد پدر زنت سزار."

فلسول روم در آخرین روز دوره انتخاباتی به اشد شدت، سزار در این گونه امور بسیار خودسرانه عمل می‌کرد، مقام خالی شده را برای چند ساعت به یکی از افراد خود بنام "ریپلوس" داد تا ستای روم، فلسول بعدی را انتخاب کند. روز بعد، سیسرون گفت: "ریپلوس فلسول بیداری بود، وی در زمان فلسولی اش حتی یک دقیقه هم نتوانید."

پس از آن که سزار بر تخت حکومت مطلق نشست، نماینده‌ای از شهر "لازیسیا" به روم رفت تا پارو میان بر سر آزارن ملکن موطنش مذاکره کند. وی پس از ورود به روم، نژد سیسرون رفته و از او پرسید امکان موفقیتش تا چه حد است، و پاسخ شنید: "خرامی دیدم، درست من. فقط وقتی به هدف رسیدی، سعی کن آزادی ما را هم بدست آوری."

... و آنها مرا تروریست می‌خواندند

کرده بودم و او تمایل داشت نزد خانواده خود بماند. اما بدلیل وخامت اوضاع، همسرم پذیرفت که میهن خود را ترک کند. به این ترتیب با کشتی رهسپار تونس شدیم. تمام امیدم آن بود که در آنجا به عنوان وکیل مشغول بکار شوم.

چند سال بعد، وقتی اسرائیلی‌ها مقر "ساف" را در تونس بمباران کردند، خواهرم آنجا بود و از ناحیه دست مجروح شد. باخود گفتم که این همدار جدیدی است.

شب هنگام در خانه بخت مفصلی داشتیم. بعد از تل‌آویو، برشوه، اورشلیم، امان، بیروت، تونس به کجای می‌توانستیم برویم؟

برادر بزرگترم پیشنهاد کرد به تریپولی برویم.

ومن در همین شهر، در روز سه شنبه ۱۵ آوریل ۱۹۸۶ در نتیجه بمباران هواپیماهای آمریکایی کشته شدم.

به نقل از "اومانیتته" ۲۶ مه ۱۹۸۶

سربازان سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، یعنی در ماجرای سیتامیر سیاه کشته شد.

پدرم که مهندس شیمی بود، برای کار به یکی از امارات خلیج فارس که بسیاری از مهاجران فلسطینی در آنجا کار می‌کنند، یعنی به کویت رفت.

من همراه مادر، خواهر و سه برادر کوچکم به بیروت پناه بردیم. در آنجا تحصیلات خود را از سر گرفتم.

روز شش ژوئن ۱۹۸۲ صد هزار سرباز اسرائیلی وارد خاک لبنان شدند. سه ماه و نیم بعد، ارتش لبنان دست به کشتار سه هزار فلسطینی بی‌دفاع زد. اکثر آنان را زنان و کودکان و افراد مسن تشکیل می‌دادند.

مادرم به من گفت احتمالاً وقت آن رسیده است که بیروت را ترک کنیم. من قبول نکردم. چون با یک دختر زیبا و جوان لبنانی ازدواج

من در سال ۱۹۶۶ در تل‌آویو بدنیا آمدم.

با شروع جنگ داخلی، بخاطر حفظ امنیت خانواده، به برشوه که عمویم در آنجا زندگی می‌کرد، پناه بردیم.

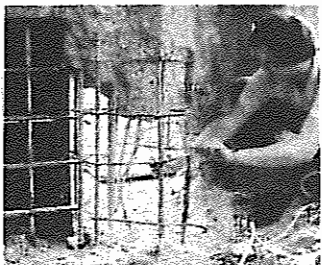
وقتی اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۴۹ برشوه را اشغال کردند، آنجا را ترک گفته و به اورشلیم رفتیم. تا سال ۱۹۶۷ در اورشلیم زندگی می‌کردیم.

من اورشلیم را خیلی دوست داشتم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آنجا گذرانده‌ام. از آنجا خاطرات شیرینی دارم.

در سال ۱۹۶۷، پس از اشغال اورشلیم توسط اسرائیل، من و خانواده‌ام به اردن رفته و در امان مستقر شدیم. سه سال در اردن زندگی می‌کردیم. من در آنجا تحصیل در رشته حقوق را آغاز کردم، ولی متأسفانه موفق با تمام آن نشدم زیرا در سال

۱۹۷۱ ناچار شدیم اردن را ترک کنیم. برادر بزرگم همانجا در جریان درگیری بین مزدوران ملک حسین و

حدس بزنید تروریست کیست



فشار آوردن به مغز خود نخواهد داشت.

عکس مقابل مربوط به حادثه انفجار بمب و سوراخ شدن دیوار زندان "تسله" آلمان فدرال در سال ۱۹۷۸ است. اخیراً فاش شد که این انفجار، کار پلیس مخفی این کشور بوده است. مقامات امنیتی آلمان فدرال مدعی شده‌اند که این کار را برای نفوذ در دستجات تروریست از طریق عامل این انفجار انجام داده‌اند. اما نیروهای دمکراتیک آلمان فدرال معتقدند پلیس این اقدام را به منظور فراهم کردن شرایط تصویب قوانین ضد

دمکراتیک صورت داده است. حزب "سیژها" علیه مقامات مسئول آلمان فدرال و ایالت نیدرزاکسن به جرم "ایجاد دسته اشرا" اقامه دعوی کرده است. این اتهام کاملاً بیجا و منطقی به نظر می‌رسد. کسی چه می‌داند، شاید این دسته اشرا کارهای دیگری هم از این نوع صورت داده باشد. به هر حال، در آینده هر عمل تروریستی فورا انفجار سال ۱۹۸۷ را به یاد ما خواهد آورد و هیچ‌کس برای حدس زدن اینکه تروریست چه کسی است، نیازی به

آمریکای مظلوم و بی‌دفاع

نیکاراگوئه حکومت می‌کنند، برای آمریکا خطر محسوب می‌شوند؟
چ - آخر آنها دست به فعالیت‌های براندازی می‌زنند. مثلاً ببینید چه فعالیت‌هایی علیه ضد انقلابیون دارند.

س - چرا آمریکا اینقدر از نیکاراگوئه می‌ترسد؟
چ - بر مبنای تجربه‌ای که دارد. مگر یادتان رفته است چگونه دو ابر قدرت ویتنام و گرانادا به آمریکا حمله ور شدند.

س - درست، اما بطور مشخص علت این ترس چیست؟
چ - ساندینیست‌ها دارند نقشه یک پرل هاربور تازه را می‌ریزند، منظورم

صلح را به خطر انداخته است؟
چ - البته که نیکاراگوئه!
س - آیا نیکاراگوئه کشور بزرگی است؟

چ - خیلی بزرگ است
س - آمریکا چپی؟ آمریکا هم کشور بزرگی است؟
چ - نه، آمریکا یک کشور مظلوم، بی‌دفاع، بی‌ثواب و کوچولو است
س - آیا آمریکا و نیکاراگوئه با هم مرز مشترک دارند؟

چ - نه، اما نیکاراگوئه می‌خواهد از طریق هندوراس، گواتمالا و مکزیک لشکرکشی کند تا آمریکا را بگیرد.
س - چرا ساندینیست‌ها که بر

واشینگتن به آمریکای مرکزی به چشم مایملک استعماری خود می‌نگرد. از همینروست که می‌کوشد نیکاراگوئه انقلابی و صلح دوست را به زانودر آورد. دستگاه دولتی ریگان در اذهان عمومی مردم آمریکا و جهان چنان تصویری از نیکاراگوئه ارائه می‌دهد که انگار این کشور، کشوری است که تجاوزگرو کشوری است که امنیت کشور آمریکا را به خطر انداخته است. بر اساس این شیوه تبلیغ، ولگانگ ابرت، یک روزنامه‌نگار اهل آلمان غربی، مصاحبه‌ای فرضی با یک مقام آمریکایی به رشته تحریر در آورده است که خواندنی است.
س - چه کشوری در نیمکره غربی

دماوند

ای دیور سپید پای در بند
از سیم بسر یکی کله خود
تا چشم بشر نبیندت روی
تا واژهی از دم سُتوران
با شیر سپهر بسته پیمان
چون گشت زمین ز جور کردن
بناوخت ز خشم بر فلک مشت
نو مشت درشت روزگاری
ای مشت زمین بر آسمان شو
بی نی تو نه مشت روزگاری
تو قلب فسرده زمینی
تا درد و ورم فرو نشیند
شو منفجر ای دل زمانه
خامش منشین، سخن همی گوی!
پنهان مکن آتش درون را
گر آتش دل نهفته داری
بر زرف دهانت سخت بندی

ای گنبد گیتی ای دعاوند
ز آهن بنیان یکی کمر بند
بنهفته بابر چهر دلیند
وین مردم نحس دیو مانند
با اختر سعد کرده پیوند
سرد وسیه و خموش و آوند
آن مشت تویی تو ای دعاوند
از کردش قرنها یس افکنند
بر ری بناواز شربتی چند
ای کوه ایم ز گفته خرسند
از درد ورم نموده یک چند
کافور بر آن ضعاد کردند
و آن آتش خود نهفته مینسند
افسرده مباح، خوش همی خندا!
زین سوخته جان شو یکی بند
سوزد جانت، بجانت سو کند
بر بسته سپهر ربو پرفند

من بند دهانت برکشایم
از آتش دل برون فرستم
من این کنم و بود که آید
آزاد شوی و بر خروشی
هرای تو افکنند زلازل
وز برقی تنوره ات بتابد
ور بکشایند بندم از بند
برقی که بسوزد آن دهان بند
نزدیک تو این عمل خوشایند
مانده دیو جسته از بند
از نیشابور تا نهاوند
زالبرز اشعه تا بالوند

ای مادر سر سپید بشنو
بر کش ز سر این سپید معجز
یکسرای چو آذهای گرز
ترکیبی ساز بی مایل
آزار و سیر و کازو کو کرد
از آتش آه خلق مظلوم
ابری بفرست بر سر ری
بشکن در دوزخ و درون ریز
بفکر ز بن این اساس تزدیر
بر کن ز بن این بنا که باید
زین بی خردان سفله بستان
محمد تقی بهار (ملک الشعرا)

استهزای "رزمندگان اسلام"

آن کلمه زیبای "کرپلا ما می آیم" را
یکی از برادران به خط بسیار زیبایی
نوشته بود. از راه آهن عازم شدم، در
مسیر عبورم از یکی از خیابانها،
ناگهان از پشت سر متوجه شدم مشغول
تسخیر من هستند. آری آنان به خاطر
این که در پشت لباس جمله "کرپلا ما
می آیم" نوشته شده بود، مرا مسخره
می کردند. برابم زمان سختی بود. در
یک لحظه به یاد حماسه آفرینی لشکر
حق افتادم که چه قهرمانان با آوردن
نام زهرا به قلب سپاه خصم بیورش
می بردند و اینک رزمندگان از خیل
پاران صدیق رهبر را به یاد تسخر و
ناسزا گرفته اند... لذا از رفتن به
مقصد پشیمان شدم و به راه آهن برگشتم
و عازم شهر مشهد شدم...
امضا: حسن - ف"

از نامه یک بسیجی به روزنامه
کیهان ۶ خرداد ۱۳۶۵:
"رزمندگان ای هستم از دریای
خروشان دلیر مردان بسیج
افتخار آفرینان راستین جبهه های خون
و شرافت، آنان که حماسه های عشق و
ایثارشان را به کرات دیده اید، جان
فدای رهبر می کنند و مظلومان شهر و
شهدای جبهه اند. آری، برادرم، از
یکی از نواحی بسیج شهرستان شهید
پرور مشهد طی اعزام کاروان عظیم
راهیان کرپلا ۲، به جبهه های نور
علیه ظلمت اعزام شدم و در عملیات
والفجر ۸ شرکت داشتم.
بعد از عملیات در فرصتی که به
دست آمد، با گرفتن مرخصی با قطار از
اهواز عازم تهران شدم. لباس مقدس
بسیجی بر تن داشتم، لباسی که در پشت

روحیه ضد فتوئالی

بر روی پیلهایشان نیز علیه خانها شعار
نوشته بودند. منبر موسوی خوشینی ها
خیلی طول کشید. او روضه مفصلی
خواند و دست آخر آب پاکی روی
دست پینه بسته دهقانان زابلی
ریخت.

او گفت: "مانه زمینهای
خوانین را مصادره می کنیم و نه آنها را
به زندان می فرستیم، ما آنقدر علیه
آنها شعار می دهیم که دق کنند و
بمیرند!"

اواخر تنها بندر آمریکا را بامین های
زیر آبی خود مسدود کردند و الان
می کوشند با جلوگیری از صدور
محموله های کواکولا کشور ما را به
زانودر آورند.

س - این چند روزه چه اتفاقی
افتاده است که نیکاراکوئه اینقدر
آمریکارا وحشت زده ساخته است ؟
ج - بر طبق آخرین گزارشها، یک
زیر دریایی نیکاراکوئه ای به یک
زیر دریایی آمریکاکامه کرده است.
س - اها! منظورتان این است که
آمریکای مظلوم کوچولوی بینوا
زیر دریایی هم دارد ؟

ج - البته که نه! آن زیر دریایی
فقط یک چیز نمایی بود که ما آنرا از
استودیوی فیلم سازی پواریا در
مونئیخ قرض گرفته بودیم!

دهقانان زابلی با بیورش
خانها مواجه شده اند. آنها بازگشته و
با حمایت کامل ارگانهای حکومتی
زمین های مصادره شده از سوی دهقانان
را از آنها پس می گیرند.

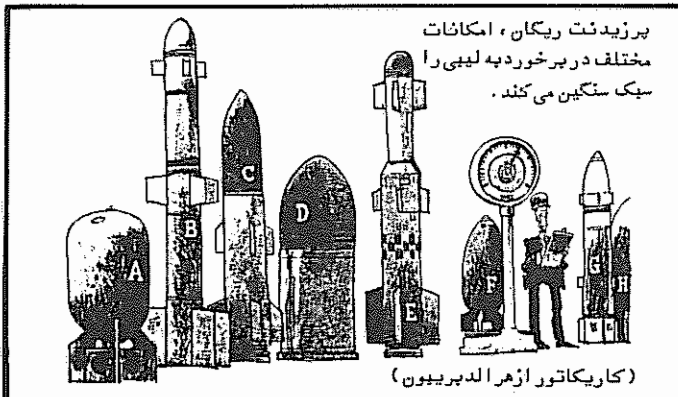
در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۶ موسوی
خوشینی ها برای خواباندن مبارزات
دهقانان زابلی به منطقه سفر کرد. او
دهقانان را فراخواند تا برای آنان
بالای منبر بیرون. دهقانان آمدند با
شعارهای ضد زمین داران بزرگ. آنها

حمله زاپنی ها به بندر ما در زمان
جنگ جهانی دوم است. هدف
ساندینستهای این است که لاس و کاس و
همه پایگاههای مستقر در آن را تصرف
کنند. همانطور که می دانید لاس و کاس
قمارخانه های بزرگ و مشهوری دارد.

س - ساندینستها از چه سلاحهایی
استفاده می کنند؟

ج - آنها خیلی ناقله هستند. اولاً
آنها توی جبهه ها پوست موز
می اندازند تا دشمنانشان سر بیخورند
و نتوانند پیشروی کنند، از این گذشته
آنها به ست افراد بی دفاع دانه های
قهوه برتاب می کنند که سلاح بسیار
خطرناکی است.

س - آیا این ساندینستها حق و
حقوق بین المللی سرشان می شود؟
ج - اصلاً و ابداً. آنها همین



انتخابات در بنگلادش

در تاریخ هفتم ماه مه امسال، انتخابات پارلمان بنگلادش برگزار شد. ۲۸ حزب ۱۵۰۰ کاندید برای احزاب ۲۰۰ کرسی پارلمانی بایکدیگر رقابت کردند. مبارزه میان احزاب در برخی حوزه‌های انتخاباتی به درگیری‌های سخت با تلفات زیاد انجامید. همچنین در برخی حوزه‌ها، که شمار آن به ۲۶ رسید، انتخابات به علت تقلب لغو شد.

صرف برگزاری انتخابات، نتیجه مبارزه سیاسی طولانی میان دولت نظامی و اپوزیسیون بنگلادش بود. دولت ژنرال ارشاد در ماه مارس ۱۹۸۲ طی یک کودتای نظامی به قدرت رسید. در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵، دولت سه بار برای برگزاری انتخابات تاریخ تعیین کرد، اما هر بار به علت مخالفت اپوزیسیون با شرایط دولت، انتخابات به تعویق افتاد. سرانجام بخش‌هایی از خواستهای مخالفین از سوی دولت پذیرفته شد. احزاب قانونی شدند، وزرایی که خود را کاندید نمایندگی پارلمان کرده بودند از سمت‌های دولتی خود کناره رفتند، و ژنرال ارشاد اعلام کرد در مبارزه انتخاباتی دخالت نخواهد کرد. اما مهمترین خواست مخالفان یعنی لغو کامل مقررات حکومت نظامی تحقق نیافت. بدین ترتیب انتخابات در شرایط نابرابری به سود نیروهای طرفدار دولت برگزار گردید.

برگزاری انتخابات با تشدید بحران مزمن اقتصادی و تضادهای اجتماعی، افزایش بیکاری که از ۲۰ درصد تجاوز کرده و کاهش یازم بیشتر سطح زندگی مردم همزمان بود. در چنین شرایطی ۴۸ میلیون نفر واجد شرایط به شرکت در انتخابات فرا خوانده شدند.

مبارزه اصلی میان "حزب ملی" و "اتحاد مردمی" جریان داشت.

"حزب ملی" تنها ۴ ماه پیش از انتخابات به اشاره دولت نظامی تشکیل شد. اگر چه نیروهای مختلف این حزب را تشکیل می‌دهند، اما همه آنها در پشتیبانی از ژنرال ارشاد اشتراک دارند. این حزب توانست با کمک مقامات حکومت نظامی، در ۱۲۲ حوزه از ۲۶۴ حوزه انتخاباتی لغو شده، پیروز شود. انتظار می‌رود شمارش آرا در ۲۰ حوزه دیگر نیز به پیروزی این حزب بیانجامد. بدین ترتیب طرفداران ژنرال ارشاد در پارلمان اکثریت خواهند داشت. رقیب عده "حزب ملی"، "اتحاد مردمی" بنگلادش بود که از پر سابقه‌ترین و با نفوذترین احزاب کشور به شمار می‌رود. "اتحاد مردمی" در راس جنگ‌های استقلال طلبانه بنگلادش قرار داشت و علیرغم از دست دادن برجسته‌ترین رهبران خود مانند مجیب الرحمان و تاج الدین احمد که طی کودتاهای ارتجاعی سال

۱۹۷۵ به قتل رسیدند، و علیرغم چندین انشعاب، نیروی دمکراتیک مهمی است. بیکگیری در دفاع از برنامه اصلاحات اجتماعی مرفقی مصوب ۱۹۷۲ و مشی سیاسی خارجی ضد امپریالیستی "اتحاد مردمی"، باعث حفظ و گسترش نفوذ آن در میان مردم شده است. مواضع "اتحاد مردمی"، که اینک دختر مجیب الرحمان رهبری آن را بر عهده دارد، با تصمیم این حزب دایر بر تشکیل ائتلاف انتخاباتی با حزب چپ و دمکراتیک دیگر، از جمله حزب کمونیست بنگلادش، تقویت گردید. "اتحاد مردمی" تاکنون ۷۰ کرسی به دست آورده است.

حزب کمونیست بنگلادش در ائتلاف انتخاباتی ۸ حزب دمکراتیک، ۹ کاندید معرفی کرده و ۵ کرسی به دست آورد. محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، از جمله انتخاب شدگان است. بنابراین، برای نخستین بار در تاریخ بنگلادش کمونیستها در پارلمان این کشور حضور خواهند داشت. موفقیت حزب کمونیست بنگلادش مدیون مبارزه پیگیر این حزب در راه احقاق حقوق زحمتکشان، احیای کامل شرایط دمکراتیک، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، صلح و همکاری برابر حقوق میان کشورهاست. سایر احزاب چپ نیز پیروزیهای چشمگیری به دست آوردند. از جمله، دو فراکسیون "حزب ملی خلق" در مجموع به ۷ کرسی دست یافتند.

در مقابل، راست‌های افراطی بنگلادش نیز فعال تر شده‌اند. "جمعیت اسلامی" که از جمله مورد

حمایت رژیم خمینی نیز قرار دارد، نماینده به مجلس خواهد فرستاد. لازم به یادآوری است که این سازمان از سال ۱۹۷۱ در دوره حکومت مردمی مجیب الرحمان به علت توطئه علیه استقلال کشور ممنوع اعلام شده بود. "حزب ناسیونالیست"، که رهبر آن ژنرال ضیا الرحمان دیکتاتور سابق بنگلادش بود، در انتخابات شرکت نکرد. علت این امر، بی‌اعتباری فرآیندهای این حزب به علت فساد پرملا شده رهبرانش و نیز پیوستن بخش زیادی از نیروهای حزب به "حزب ملی" ژنرال ارشاد بود.

در مجموع، مبارزه انتخاباتی در بنگلادش عناصر جدیدی وارد صحنه سیاسی کشور کرد. انتخابات به ویژه نشان داد که اثر تبلیغات مستمر دیکتاتوری و اقدامات سرکوبگرانه آن علیه نیروهای چپ و دمکراتیک که از ۱۹۷۵ بدین سو بدون وقفه ادامه داشته است، رو به کاهش است. احساسات ضد امپریالیستی در کشور تقویت می‌گردد. جنبش نوده‌ای علیه امپریالیسم پسرکردگی آمریکا رو به گسترش است. در آستانه انتخابات، تظاهرات گسترده‌ای علیه تجاوز آمریکا به لیبی سراسر بنگلادش را فرا گرفت.

تمام شواهد حاکی از آن است که با برگزاری انتخابات در بنگلادش، دور جدیدی از مبارزه نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک این کشور که با چشم اندازهای روشن تری همراه است، آغاز شده است هرچند این تغییر فعلا به حکومت نیروهای راستگرای طرفدار ژنرال ارشاد پایان نداده است.

با مسیح بد نامه‌های خوانندگان

* خواننده گرامی انوشه در هندوستان، از حسن توجه شما به نشریه خرسندیم. در جهت درج مقالات مورد نثر شما در فرصت‌های مناسب اقدام خواهد شد.

* خواننده عزیز ض-غ از آلمان فدرال، متأسفانه امکان ارسال نشریه رایگان برای ما مقدور نیست.

* از دانمارک، مقاله شما را با علاقه‌مندی خواندیم. سعی کنید نوشته‌هایی که برای اکثریت تنظیم می‌کنید، مستند و بر اساس اطلاعات معین باشد. ما منتظر مطالب دیگر شما هستیم.

* از ووپرتال آلمان فدرال، به خاطر ارسال طرحی که با الهام از مقاله "قیم راه قدس..." کشیده‌اید از شما تشکر می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر باز هم طرح‌ها و کاریکاتورهای شمار دریافت کنیم.

داشت و نیز می‌توانست کوتاهتر تنظیم شود. ما منتظر دیگر نوشته‌هایتان هستیم.

رفیق عزیز شریف:
* نامه مهرآمیزی را از ته به همراه سه قطعه شعر به دفتر "اکثرت" رسید. احساس رفیقانه و پاک شما که در لابلای سطور نثر و شعرتان جاری است، می‌ستاییم. ما منتظر نوشته‌های تازه شما هستیم. موفق باشید.

پیروز از آلمان فدرال:
* غزل "اوچ" که شما آنرا سروده‌اید این حسن را دارد که محتوی خود را به زبان شعری و از طریق معیارهای آن بیان می‌کند. در واقع هم همینست. هنر دارای زبان و منطق هنری است. با اینهمه، هنوز هم شما می‌توانید شعر خود را تکامل بیشتری بخشید.

* سپیده سحر از اسپانیا، طرح ارسالی شما را دریافت کردیم. اکثریت از ادامه همکاری شما استقبال می‌کند. لازم است یادآوری کنیم که طرح‌های رنگی برای چاپ در اکثریت مناسب نیست. در چاپ کل قرمز در متن تیره محو خواهد شد. به همه طراحان و نقاشانی که مایلند با ما همکاری کنند توصیه می‌کنیم حتی المقدور طرح‌ها و نقاشی‌های سیاه و سفید را برای ما بفرستند.

* رفیق بایک از فرارا ایتالیا، تذکر شما بیکگیری و در جهت انجام آن اقدام شد. نسبت به مورد آخری، پس از تدقیق اقدام می‌شود. نامه شما در اختیار مسئولین مربوطه قرار گرفت تا توضیحات لازم را برای شما بنویسند.

* خواننده‌ای از بریتانیا، مطلبی را که با عنوان "آی دژدا" نوشته‌اید احتیاج به کار بیشتری

* رفقای طراح از شهر اسپالو سوئد، طرح شما رسید. همکاریتان را با ما گسترش دهید.

* دوست گرامی اکبر از آمریکا، عکس ارسالی شما بدستمان رسید. چون پیش از این عکس مشابهی را چاپ کرده بودیم، عکس ارسالی بایکاتی گردید.

* رفیقی از جنوب ایتالیا، ترجمه‌های شما را دریافت کردیم. چارچوبی را که برای انتخاب مقالات برگزیده‌اید، مناسب است. به همکاریتان با ما ادامه دهید.

* رفیق ح- از دانمارک، مثنوی که پیرامون برگزاری کنتره ۲۷ حزب کمونیست شوروی تنظیم کرده‌اید، بدستمان رسید. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

کنفرانس مطبوعاتی پیرامون سانحه چرنوبیل

یوگنی ولیخوف، دانشمند برجسته شوروی و معاون رییس آکادمی علوم این کشور، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو به پرسش‌های خبرنگاران پیرامون سانحه نیروگاه اتمی چرنوبیل پاسخ داد. وی گفت مهم‌ترین درسی که باید از واقعه چرنوبیل گرفت، این است که چنین سانحه‌ای، در قیاس با جنگ هسته‌ای تنها یک "آزمایش میکروسکوپی" است. در این کنفرانس مطبوعاتی، اعلام شد تاکنون ۱۷ تن بر اثر عواقب تشعشع اتمی در چرنوبیل درگذشته‌اند و بدین ترتیب، شمار قربانیان حادثه به ۱۹ نفر رسیده است. ولیخوف اظهار داشت بهترین راه پاسداری از خاطره قربانیان این سانحه که جان خود را برای جلوگیری از گسترش آتش و تعدیل سانحه به یک فاجعه نثار کردند، ممنوع کردن سلاح‌های هسته‌ای است.

معاون رییس آکادمی علوم شوروی گفت برای تعیین علل حادثه چرنوبیل، ماه‌ها وقت لازم است. وی افزود آن‌چه تاکنون معلوم شده است این است که احتمالاً یک عمل اشتباه در هنگام نظارت بر کار رآکتور صورت گرفته است و می‌توان گفت اگر چنین اشتباهی صورت نمی‌گرفت، سانحه روی نمی‌داد. ولیخوف تأکید کرد احتمال این که تنها یک اشتباه - حتی بزرگ - باعث سانحه شده باشد وجود ندارد، بلکه ترکیب نامساعدی از تصادف‌ها، به آتش سوزی انجامید.

اشپیگل: قبایل پشتون از حقوق خود دفاع می‌کنند

مبارزه گسترده قبایل دلیر پشتون علیه دولت نظامی پاکستان و اشرار ضدانقلابی افغانی آن چنان ابعادی یافته است که حتی مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب نیز که مدت‌ها پیرامون چنایات رژیم اسلام‌آباد علیه این قبایل تونف سکوت را به اجرا گذاشته بودند، به وجود مقاومت قهرمانانه قبایل پشتون اعتراف می‌کنند. هفته‌نامه اشپیگل چاپ آلمان فدرال در یکی از شماره‌های

کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان

در روز چهارشنبه ۲۸ ماه مه، کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان در اولان‌باتور پایتخت جمهوری توده‌ای مغولستان آغاز به کار کرد. در دستور کار کنگره، بررسی برنامه‌های جامع و عظیمی در چارچوب برنامه اقتصادی پنج ساله آتی و نیز برنامه رشد اجتماعی - اقتصادی کشور تا سال ۲۰۰۰، افزایش تولید صنعتی و تولید کشاورزی و نیز ارتقا سطح زندگی مادی و معنوی مردم مغولستان قرار دارد. در کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، نمایندگان احزاب کمونیستی، کارگری و انقلابی از سراسر جهان به عنوان میهمان شرکت دارند.

یک متخصص زن مغول در حین کنترل دستگاه‌های

تاسیسات ماهواره‌ای این کشور

دانشمند مشهور شوروی خاطرنشان ساخت با گذشت یک ماه از واقعه، دیگر انتظار "پدیده‌های نامنتظر و نامطلوب" از بلوک چهارم نیروگاه که سانحه در آن روی داده نمی‌رود. ولیخوف، که خود دو هفته در محل حادثه حضور داشته است، گفت اینک ۵ هزار تن شن و دیگر مواد عایق اشعه، بر روی رآکتور ریخته شده و به طور مطمئنی آن را احاطه کرده است. درجه حرارت پیرامون رآکتور، بیش از میزان ایجاد شده بر اثر تابش خورشید نیست. در حوالی رآکتور، قشرهای فوقانی زمین خاک برداری می‌شود و برای کاهش میزان تشعشع در آب‌های روی زمینی و زیرزمینی، برنامه‌هایی در دست اجراست.

ولیخوف گفت: "طبعاً ما همه مسایل را حل نکرده‌ایم، اما همه تدابیر برای جلوگیری از خطرات احتمالی اتخاذ شده است." وی افزود تا حدود یک ماه دیگر، شرایط کار در فضای آزاد در محوطه نزدیک نیروگاه نیز فراهم خواهد شد. پروفیسور

ولیخوف اعلام کرد اقداماتی برای افزایش ایمنی نیروگاه‌های هسته‌ای شوروی انجام خواهد گرفت. وی همچنین اظهار داشت تحقیقات شوروی در مورد سایر منابع انرژی نظیر نور خورشید و نیروی باد ادامه دارد و پژوهش‌های این کشور در زمینه ترکیب هسته‌ای (پدیده عکس شکافتن هسته اتم) از همه کشورهای جهان پیشرفته‌تر است.

پلاتفرم انتخاباتی اتحادچپ اسپانیا

در شماره‌های پیشین "اکثریت" خبر توافق حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا پیرامون ایجاد یک ائتلاف انتخاباتی با پلاتفرم مشترک درج گردید. هفته گذشته، جزئیات این پلاتفرم توسط نمایندگان ائتلاف انتخاباتی چپ اسپانیا طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام شد. این ائتلاف که شامل دو حزب نامبرده و نیز شخصیت‌های مستقل می‌گردد، در عرصه سیاست خارجی برای ابتکاراتی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی و نیز علیه نظامی کردن کیهان مبارزه خواهد کرد. در عرصه سیاست داخلی، مبارزه با سیاست‌های اقتصادی محافظه‌کارانه دولت از اهداف اتحاد چپ اسپانیاست. این اتحاد همچنین خواهان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی اسپانیا و برچیده شدن پایگاه‌های آمریکایی از این کشور شده است.

اخبار کوتاه

* میخاییل گارباجف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در ملاقات با یک هیات پارلمانی بریتانیا اعلام کرد پیشنهادهای پیمان ورشود مورد کاهش سلاح‌های ذی‌هسته‌ای به زودی با تمام جزئیات آن اعلام خواهد شد. گارباجف به بریتانیا پیشنهاد کرد در صورت اقدام این کشور برای از بین بردن پتانسیل تسلیحات هسته‌ای خود، اتحاد شوروی به همان میزان تسلیحات خود را کاهش خواهد داد. اگر بریتانیا با برچیدن سلاح‌های هسته‌ای خارجی از خاک خود موافقت کند، اتحاد شوروی تضمین خواهد داد که سلاح‌هایش به سوی خاک بریتانیا نشانه نروند و هرگز علیه بریتانیا از آن‌ها استفاده به عمل نیاید. رهبر شوروی خواهان مذاکره مستقیم دو کشور در این باره شد.

* دانیل اورتگا، رییس جمهور نیکاراگوئه در بازگشت از اجلاس روسای جمهور پنج کشور آمریکای مرکزی که در گواتمالا برگزار شد، رئیس پیشنهادهای صلح دوستانه کشورش را که به این اجلاس ارائه گردید، تشریح نمود. این پیشنهادها متوجه انجام مذاکرات درباره محدود ساختن، کاهش و محو انواع معینی از تسلیحات در آمریکای مرکزی است. از نکات دیگر این پیشنهادها، قطع مانورهای نظامی با شرکت دولت‌های خارجی و خروج مستشاران نظامی خارجی از آمریکای مرکزی است.

* آمریکا جلوی تصویب قطع‌نامه پایانی "کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا" را که در ژنو جریان داشت گرفت. قرار بود این کنفرانس، قطع‌نامه‌ای درباره مسایل مربوط به تماس‌های انسانی میان کشورهای اروپا صادر نماید. اما ایالات متحده به عنوان تنها کشور مخالف، مانع حصول توافق گردید. در نتیجه طرح قطع‌نامه ارائه شده از سوی کشورهای بی‌طرف اروپا که شامل مواردی نظیر تسهیل در تماس‌های میان اعضای خانواده‌ها، مسافرت، تماس‌های ورزشی و غیره بوده، به تصویب کنفرانس نرسید. این رفتار آمریکا حتی از سوی متحدانش که همگی موافق طرح بودند، مورد انتقاد قرار گرفت.



پاتریوت:

دخالت ایران در افغانستان افزایش می یابد

به مردم افغانستان رادارده، اقداماتی نیز در این راستا صورت داده است. از جمله آنها، برپایی چندین قرارگاه جهت آموزش ضد انقلابیون افغانی در ایران است. در محلی در مرکز ایران حدود ۲۰۰۰ افسر ارتش و سازمان مخفی ایران جهت آموزش تروریست های افغانی به خدمت در آمده اند. در پایگاه ۷۷ نیروی هوایی ایران در زاهدان به افغانهایی که در ایران هستند آموزشهای نظامی ویژه ای داده می شود...

روزنامه پر تیراژ "پاتریوت" چاپ هندوستان در شماره یازدهم ماه مه خود مقاله مفصلي با عنوان فوق به چاپ رسانده است. این مقاله چنین آغاز می شود، "مسئولین حکومت ایران مسبب مد اخله چوئی لگام گسیخته در امور داخلی افغانستان هستند. آنها حتی طرحی هم برای تحمیل یک رژیم اسلامی در افغانستان اعلام نموده اند."

پاتریوت سپس می افزاید، "در همان حالی که رهبران ایران برای سرکوب مردم افغانستان اشک می ریزند به سرکوب و زیر پا گذاشتن حقوق مردم خودشان بویژه آزادی های اولیه مردم کرد و دیگر اقلیت های ملی و مذهبی ادامه می دهند. رژیم جمهوری اسلامی همزمان با اعلام این تصمیم که قصد تحمیل حکومتی اسلامی

تنها کبریت سازی ممتاز، از این نظر ممتاز نیست

که چگونه سهامدار خارجی شرکت کبریت ستاره ممتاز با اطمینان به پشتپبانی "هیات رسیدگی به جلب و حمایت سرمایه های خارجی" خواهان افزایش نقش خویش در شرکت ممتاز می گردد. تنها کبریت سازی ممتاز از این نظر ممتاز نیست. لگدکوبی ماضی ستاوردهای انقلاب دستاوردهای بسیاری از این گونه که در شرکت ممتاز می بینیم، برای سرمایه های امپریالیستی به ارمغان آورده است.

سندی را که در زیر می بینید، به اعضای مدیر کل دفتر سرمایه گذاری خارج در ایران مزمین است. این سند در واقع نشان می دهد که کار این دفتر که یکی از ارکان وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی است، چیست. این دفتر راه را برای بازگشت سرمایه های خارجی باز می کند و سلطه آنان را تحکیم می بخشد. در این سند نمونه وار می بینیم

فراخوان همبستگی با زندانیان سیاسی عربستان سعودی

تن از آنها همچنان در زندان های سعودی به سر می برند. ما این فراخوان را به شما ارسال می داریم به این امید که راه مناسبی برای کاستن از دامنه رفتار خشونت آمیزی باشد که زندانیان شریف ما با آن مواجهند. به عنوان نمونه، زندان انفرادی برای بسیاری از آن ها مشکلات جدی جسمی و روانی به همراه داشته است. این گونه رفتار با زندانیان مغایر همه قوانین بین المللی است. علاوه بر این، زندانیان سیاسی از همه تضمین های حقوقی نظیر حق محاکمه شدن به طور علنی و داشتن وکیل مدافع محرومند.

از سوی، "سازمان عفو بین المللی - عربستان سعودی"، "کمیته دفاع از حقوق بشر در عربستان سعودی" و "کمیته دفاع از آزادی هادرشبه جزیره عرب" خطاب به "همه سازمان های حقوق بشر و نیروهای صلح دوست و آزادی خواه جهان" و از جمله سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نامه مشترکی ارسال شده است. این سازمان ها طی این نامه بار دیگر خواهان ابراز همبستگی جهانیان با زندانیان سیاسی عربستان سعودی شده اند. "اکثریت" پیش از این نیز در شماره ۱۰۱ گزارشی از وضع زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در عربستان سعودی چاپ کرده بود. در این شماره برای اطلاع خوانندگان، شمای از فراخوان ۱۵ آوریل سازمان های نامبرده رادرج می کنیم، "از آغاز سال ۱۹۸۵ و به علت افزایش ناراضیاتی مردم از شرایط اجتماعی و سیاسی، رژیم سعودی موج دستگیری های تازه ای به راه انداخته که شمار زیادی از افراد در سطوح گوناگون را دربر گرفته است. صدها

ما همه دوستداران صلح و آزادی خواهان را فرا می خوانیم تا صدای اعتراض خود را علیه سیاست ترور و پیگرد در کشور ما بلند کنند و خواستار آزادی کلیه زندانیان و روشن شدن سرنوشت ناپدید شدگان، از قبیل ناصر السعید که در هفدهم دسامبر ۱۹۷۹ در بیروت توسط عوامل رژیم سعودی ربوده شد، گردند...."

این همه تمرکز نیرو در بلوچستان برای چیست؟

رژیم وانمود می کند که منظور از تمرکز این همه نیروی سرکوبگر در بلوچستان، کنترل قاچاق مواد مخدر است. واقعیت ها جز این حکایت ندارند. خود همین نیروهای سرکوبگر متمرکز در بلوچستان، خانها و سردارهای تحت الحمایه رژیم و باندهای ضد انقلابی افغانی دست بالا را در قاچاق مواد مخدر دارند. واقعیت این است که رژیم به قاچاق مواد مخدر، اهمیتی نمی دهد. مایه دغدغه خاطر رژیم گسترش مبارزه خلق بلوچ است. رژیم با تمرکز نیرو در بلوچستان با عنوان جعلی مبارزه با قاچاقچیان، در واقع به خلق بلوچ اتهام روا می دارد. رژیم با تجربه گیری از سرکوب خلق کرد اکنون می خواهد جنبش خلق بلوچ را پیش از آنکه گسترش یابد، سرکوب سازد. تمرکز نیرو در بلوچستان اساسا به این منظور صورت می گیرد.

چندی پیش، منتظری در دیدار با فرماندهان و مسئولین کمیته ها خطاب به آنها گفت، "با همکاری ژاندارمری و تقویت و حمایت روحانیون متعهد و فداکار یک بسیج نیرو به سمت مرزهای کشور صورت گیرد و ترتیبی اتخاذ شود تا مرزهای کشور از هر نظر تحت کنترل دقیق درآید." (اطلاعات ۱۴/۱/۶۴). به دنبال این فرمان بسیج، اولین گروه از نیروهای کمیته تحت عنوان "کاروان راهیان نور" در تاریخ ۶۴/۱۰/۲۹ وارد زاهدان شدند و به تدریج در مرزهای شرقی، بخصوص در قسمت مرز مشترک با افغانستان، مستقر گردیدند.

"همزمان با انتقال نیروهای سرکوبگر بیشتر به بلوچستان و سیستان، نیروی سرکوبگر تازه ای با عنوان "لشکر محمد رسول الله" در بلوچستان و لشکر "علی ابن ابی طالب" در سیستان تأسیس گردید و تلاش شد تا از میان مردم منطقه نیز سر بازگیری شود. این تلاش ناموفق ماند. بسیج نیرو برای دو "لشکر" مذکور علاوه بر بسیج نیرویی است که برای فرستادن نفرات به جبهه های جنگ با عراق صورت می گیرد.

سند رسمی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران. شرکت کبریت ستاره ممتاز سهامی خاص. تاریخ ثبت به نام شماره ۲۶۴ مورخ ۶۴/۱/۱۰ شرکت در مورد افزایش سرمایه - سهامدار خارجی طی نامه مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۵ ضمن درخواست مجدد سرای... (متن کامل سند در تصویر)

AKSARIYAT NO. 109 MONDAY JUN 2 86 Address: Ruzbeh POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY